



عصر

روزنامه اجتماعی اقتصادی
چهارشنبه
آذر ۱۴۰۳ • ۲ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • 4 December 2024
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصد و هشتاد
www.asrghanoon.ir

خوینو خان در پاسنور

وزیر اقتصاد: مردم! مانمی خواهیم چیزی را گران کنیم

وزیر اقتصاد گفت: در حال حاضر یارانه‌ها بدون هدف توزیع می‌شوند و وقتی هم که می‌گوییم می‌خواهیم ریشه ناترازی را حل کنیم عده‌ای سریع می‌گویند قرار است گرانی راه بیفتد. اما اینجا می‌گوییم مردم ما نمی‌خواهیم چیزی را گران کنیم.

عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد در سی و یکمین همایش بین‌المللی روز بیمه با بیان اینکه تا زمانی که وزیر اقتصاد دولت پزشکیان و دولت چهاردهم باشم اجازه رانت و قاچاق را به کسی و گروهی نمی‌دهم، اظهار داشت: مشکل اصلی اقتصاد کشور ناترازی‌ها است و دنبال این هستیم که ناترازی و ریشه تورم را از بین ببریم.

در صفحه ۵ بخوانید



نقش ترکیه در آشوب‌های سوریه



اشغال شمال سوریه توسط ترکیه، به جای افزایش امنیت، به نظر می‌رسد که به تقویت گروه‌های تروریستی و افزایش بی‌ثباتی در منطقه منجر شده است.

۲

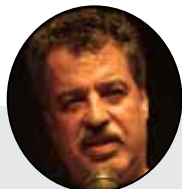
فاطمه زهرا (س) آسوه سلامت معنوی



در قلمرو خانوادگی نیز از ویژگی‌های ممتاز حضرت زهرا علیها السلام تبعیت از شوهر و محترم شمردن تصمیمات او بود. در برخی موارد تصمیمات شوهر به ظاهر برخلاف میل و خواسته آن حضرت بود.

۳

عده‌ای در سینما فقط به دنبال تفریح هستند



گروه عظیم دیگری نیز هستند که هم سرگرمی را می‌خواهند و هم برای هنر احترام قائلند. این گروه به کلی حذف شده، عاشقان سینما هم که دیگر تکلیفشان مشخص است.

۱

تورنتو، طاقت نام (احمد) را نداشت!



این فیلم نه درباره جنگ است، نه درباره سیاست؛ بلکه درباره انسانیت است. شخصیت احمد کاظمی در این فیلم به‌عنوان الگویی از فداکاری و نوع‌دوستی به تصویر کشیده شده است.

۱

آزادی و حجاب



باور کنید جریانی در کشور معتقد به دیکتاتوری است، آن هم بدترین شکل دیکتاتوری یعنی دیکتاتوری غرب، غرب کودک کش، غرب مستکبر، آن هم بدترین شکل اعتقاد، با پنهان کاری پشت نام مقدس آزادی.

۷

مربی نیستم که شکایت کنم



در بازی‌های قبل استحقاقش را داشتیم و بدشانس بودیم. این پیروزی نتیجه تلاش و آنالیز ما بود. بازی اتفاقات زیادی داشت

۸

بن بست شکنان بی ادعا



تکتیر یک الگو

موفقیت چشمگیر بسیج در آزمون‌های دشوار و متنوع در ایران باعث شد تا برخی کشورهای دیگر نیز برای پُر کردن بعضی خلأهای خود از آن الگو بگیرند و به‌نوعی مدل بومی آن را ایجاد کنند. حشداالشعبی که در مقابله با داعش نام خود را در تاریخ عراق ماندگار و درخشان کرد، یکی از این نمونه‌ها است. مردم و مسئولان عراقی معترفند که اگر این حضور بموقع، شجاعانه و خودجوش مردمی برای مقابله با خطر بزرگ داعش نبود، مشخص نبود که سرنوشت این کشور به چه سمتی می‌رفت. در سوریه نیز وقتی که کار به بن‌بست رسیده بود و تقریباً همه از دوست و دشمن معتقد بودند که باید سوریه را از دست‌رفته دانست، با آوردن مردم به صحنه و کمک گرفتن از آن‌ها برای دفاع از کشورشان در برابر تکفیری‌های مورد حمایت غرب و رژیم صهیونیستی، ورق برگشت و «شکست» جای خود را به «پیروزی» داد.

انصارالله یمن نمونه‌ی دیگری از این حضور مردمی و بسیجی‌وار در صحنه است؛ یمنی که در جریان جنگ اخیر در منطقه، با تکیه بر «خودباوری» و «خودباوری»، راه دریایی را به روی رژیم صهیونیستی بست و آمریکا و دیگر حامیان این رژیم با همهی توان و ادعای خود نتوانستند مانع آن‌ها شوند و به اعتراف اغلب تحلیلگران غربی، در این نبرد نابرابر شکست خوردند. این روزها لبنان نیز صحنه‌ی تبلور روحیه‌ی بسیجی است. حزب‌الله که از دل مردم برخاسته و در دل مردم جای دارد، در این جنگ، متحمل هزینه‌های بسیاری شد اما دشمن نتوانست روحیه‌ی مقاومت را در مردم بشکند و این همان رمز پیروزی است: «بدون شک این روحیه‌ی بسیجی، این توانایی بسیجی، این حالت بسیجی که در کشور ما هست و خوشبختانه در تعدادی از کشورهای دیگر، در اعضای جبهه‌ی مقاومت این روحیه وجود دارد، قطعاً بر همهی سیاست‌های آمریکا و غرب و استکبار و رژیم صهیونیستی غلبه پیدا خواهد کرد.» ۱۴۰۳/۹/۵

بنابراین، بی‌دلیل نیست که دشمن به‌شدت از روحیه‌ی بسیجی هراس دارد و با هزارویک ترفند و توطئه‌ی سخت و نرم در پی تضعیف و حذف آن است. (خط حزب‌الله)

و حامیان ابرقدرتش، روی کاغذ، چندان هم غلط به نظر نمی‌رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران زیروزیر شده بود و تقریباً همه چیز نوپا بود. کشور از سویی درگیر ناآرامی‌ها و قائله‌های مختلف قومی بود که به تحریک بیگانگان، امنیت را به طور جدی تضعیف کرده بودند و از سوی دیگر قوای نظامی نیز در شرایطی خاص به سر می‌بردند. سپاه پاسداران در حال شکل‌گیری بود و سازمان و انسجام خود را پیدا نکرده بود؛ ارتش نیز پس از تکانه‌ی انقلاب، با چالش‌های جدی و خاص خود روبه‌رو بود. از سویی برخی فرماندهان اصلی و سرسپرده‌ی طاغوت تصفیه شده بودند و از سوی دیگر برخی عناصر سیاسی، با دلایل مختلف و ناموجه، حتی به دنبال انحلال ارتش بودند. جنگ تحمیلی در چنین شرایطی آغاز شد و برآورد دشمن پیروزی سریع بود. آنچه دشمن محاسبه نکرده بود توان و حضور نیروهای مردمی و، در واقع، روحیه‌ی بسیجی بود. بار اصلی جنگ، در هشت ساله‌ی که به طول انجامید، بر دوش این گروه بود؛ گروهی که جنگ‌جایی و نظامیگری حرفه‌ای او نبود، همه کشاورز و کارگر و دانشجو و دانش‌آموز و بازاری و فرهنگی و کارمند و طلبه و مانند این‌ها بودند اما وقتی دیدند به حضورشان نیاز است، اسلحه به دست گرفتند و داوطلبانه و شجاعانه وارد میدان شدند. این حضور آگاهانه‌ی مردمی و از جنس بسیج بود که علی‌رغم برتری تسلیحاتی و نظامی دشمن، سرنوشت جنگ تحمیلی را با سربلندی و پیروزی برای ایران رقم زد.

پای کار مردم و کشور

پس از جنگ تحمیلی نیز بسیج در عرصه‌های مختلف خوش درخشید. ریشه‌کنی فلج اطفال در اوایل دهه‌ی هفتاد که با مشارکت صدها هزار بسیجی انجام شد، یک نمونه‌ی دیگر از بن‌بست‌شکنی‌های بسیج است که در تاریخ ایران ثبت شد و حتی ناظران جهانی را به شگفتی و تحسین واداشت. دکتر مرندی، وزیر بهداشت وقت، می‌گوید با اجازه‌ی رهبر انقلاب از بسیج کمک گرفتیم و ششصد هزار بسیجی داوطلب شدند و در مدت دوازده ساعت، در یک طرح ملی، نه میلیون کودک زیر پنج سال واکسن دریافت کردند. بعد از واکسیناسیون همگانی فلج اطفال در ایران، کارول بلامی، مدیر اجرایی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، در نامه‌ای به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، اجرای یک‌روزه‌ی برنامه‌ی واکسن ضد فلج کودکان را موفقیتی بزرگ و طرحی بی‌نظیر خواند.

شرکت گسترده در سرشماری نفوس و مسکن در دهه‌ی ۸۰ با حضور در مناطق سخت‌گذر کشور، مبارزه با کرونا در اواخر دهه‌ی ۹۰ و رسیدگی به بیماران و خانواده‌های آن‌ها، مبارزه با شارژت‌ها و ناامنی‌های مختلف در سال‌های گوناگون، مشارکت در تأمین امنیت مناطق مرزی به‌خصوص در جنوب شرق و شمال غرب کشور، فعالیت‌های گسترده‌ی محرومیت‌زدایی در قالب‌هایی همچون اردوهای بسیج سازندگی، و حضور در صحنه‌ی بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله و کمک به آسیب‌دیدگان، تنها چند نمونه و سرفصل‌هایی از اقدامات و کارنامه‌ی بن‌بست‌شکن بسیج است.

چرا دشمن از روحیه‌ی بسیجی زخم‌خورده و هراسان است؟ رهبر معظم انقلاب اسلامی، در دیدار بسیجیان که به سنت همه‌ساله در روز تشکیل «بسیج مستضعفین» انجام می‌شود، دو پایه و ویژگی اصلی بسیج را «خداباوری» و «خودباوری» عنوان کردند: «اگر من بخواهم آن منطق و پایه‌ای را که بسیج بر روی آن قرار گرفته در دو کلمه توضیح بدهم و عرض بکنم، باید بگویم آن دو کلمه عبارت است از "ایمان" و "اعتماد به نفس"؛ یا می‌توانید تعبیر کنید: "خداباوری" و "خودباوری"؛ این دو پایه‌ی بسیج است. بسیج بر روی خداباوری و خودباوری بنا شده. هر چه هم این درخت، امروز و فردا و آینده ثمره بدهد، ناشی از همین دو چیز است: خودباوری و خداباوری. بسیج خصوصیات زیادی دارد که همه از این دو پایه‌ی اصلی نشأت می‌گیرد. بسیج، شهامت دارد، ابتکار دارد، سرعت عمل در کارها دارد، دید وسیع دارد، دشمن‌شناسی دارد، در برابر تحولات گوناگون حساسیت دارد — اینها مال بسیج است — اما همه‌ی اینها و سایر خصوصیات ممتاز بسیج، ناشی از همان دو خصوصیت است که اگر فکر کنیم، بشکافیم، بحث کنیم، کاملاً روشن می‌شود.» ۱۴۰۳/۹/۵

انقلاب؛ دستاورد روحیه‌ی بسیجی

ایشان، در ادامه‌ی بیانات خود، به نتیجه‌ی این دو ویژگی در بسیج و خروجی آن در ادوار مختلف و از منظرهای گوناگون پرداختند. همان‌طور که ایشان با ظرافت و دقت اشاره کردند، روحیه و تفکر بسیجی چیزی فراتر از یک نهاد و سازمان رسمی است. از این جهت، می‌توان گفت آن جوانانی که در اوایل دهه‌ی ۴۰ شمسی به ندای انقلابی امام راحل پاسخ گفتند و به میدان مبارزه آمدند، دارای روحیه و تفکر بسیجی بودند؛ «خداباوری» آنان را واداشت که در برابر ظلم و جور رژیم پهلوی به وظیفه‌ی مبارزاتی و انقلابی خود عمل کنند و از چیزی نترسند و «خودباوری» آن‌ها نیز باعث می‌شد باور داشته باشند که حتی با دست خالی نیز می‌توان در برابر یک رژیم سفاک و تا دندان مسلح که از حمایت همه‌ی قدرت‌ها و مستکبران شرق و غرب عالم برخوردار است، ایستاد. با این مقدمه، می‌توان گفت که بسیج به معنای جمعیتی مردمی، با دو ویژگی اصلی «خداباوری» و «خودباوری»، پیش از پنجم آذر ۱۳۵۸ نیز وجود داشت و پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ محصول و دستاورد همین جمعیت و جماعت بود. اغلب انقلاب‌ها، پس از پیروزی، به دلایل مختلف رو به افول یا انحراف می‌روند.

امام خمینی (رحمة الله علیه) با کیاست و هوشمندی دریافتند که رمز تداوم انقلاب و حفظ دستاوردهای آن، استمرار حضور مردم در صحنه است؛ ابتکار تشکیل «بسیج مستضعفین» گامی بزرگ در این زمینه بود که دستاوردهای تاریخی و درخشان خود را به‌زودی به نمایش گذاشت و گره‌هایی به دست بسیج باز شد و بن‌بست‌هایی شکسته شد که در ظاهر غیرممکن و ناشدنی می‌نمود.

برگ برنده‌ی ایران در دفاع مقدس

اولین آزمون جدی بسیج کمتر از یک سال پس از تشکیل آن رخ داد. با تهاجم رژیم بعث صدام به ایران، جنگی همه‌جانبه و تمام‌عیار آغاز شد که موجب‌دیت انقلاب و جمهوری اسلامی و حتی تمامیت ارضی ایران را نشانه رفته بود. محاسبات دشمن



نقش ترکیه در آشوب‌های سوریه

ضیایاماز

نقش پررنگ ترکیه در آشوب‌های سوریه با حمایت از گروه تروریستی جبهه‌النصره

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص رمزگشایی از نقش اردوغان با ضیا ییلماز کارشناس مسائل ترکیه به صورت تلفنی گفتگو کرد.

ضیا ییلماز از نقش پنهان و آشکار ترکیه در آشوب‌های سوریه گفت و بیان کرد: ترکیه به عنوان عضوی از ناتو، نقش پررنگ و تا حدودی مبهم در بحران سوریه ایفا می‌کند. این کشور متهم به حمایت از گروه‌های تروریستی مانند جبهه النصره است؛ گروهی که سازمان ملل متحد آن را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی و محکوم کرده است. این اتهامات، نقش ترکیه را در ثبات آفرینی در منطقه زیر سؤال می‌برد و بیشتر به عنوان یک عامل بی ثبات کننده در غرب آسیا شناخته می‌شود.

وی با تصریح بر اینکه برخی تحلیلگران معتقدند که آنکارا در پی کسب سهمی از منابع و منافع سوریه است و برای رسیدن به این هدف، با ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل همکاری می‌کند، اظهار کرد: اشغال شمال سوریه توسط ترکیه، به جای افزایش امنیت، به نظر می‌رسد که به تقویت گروه‌های تروریستی و افزایش بی‌ثباتی در منطقه منجر شده است.

این کارشناس مسائل ترکیه در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو افزود: این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که جبهه مقاومت در سوریه تا حدودی تضعیف شده و فرصتی برای گسترش نفوذ ترکیه و متحدانش فراهم شده است؛ به خصوص آن که روسیه هم درگیر جنگ اوکراین است.

وی سیاست خارجی ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان را به عنوان یک سیاست خارجی پراگماتیست و فرصت طلبانه توصیف کرد و گفت: این کشور به نظر می‌رسد که از شرایط آشفته سوریه برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کند. اما سوال اصلی آن است که آیا این فرصت‌طلبی به نتیجه خواهد رسید؟ برخی کارشناسان معتقدند که ایالات متحده و اسرائیل هرگز اجازه نخواهند داد ترکیه نفوذ خود را به طور کامل در سوریه بازیابی کند و در حقیقت آنکارا در حد ابزار دست آمریکا و رژیم اسرائیل خواهد بود.

ییلماز به طرح چند پرسش در عرصه اتفاقات آتی منطقه و نقش ترکیه پرداخت و عنوان کرد: آیا ترکیه در راستای منافع ملی خود عمل می‌کند یا اینکه جزئی از یک برنامه‌ی بزرگ‌تر در منطقه است؟ آیا حمایت از گروه‌های تروریستی، ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی ترکیه است؟ و در نهایت، آیا ترکیه و متحدانش در آینده طرح‌های جدیدی را برای اشغال مناطق بیشتری از سوریه در نظر دارند؟ این موارد پرسش‌هایی هستند که نیازمند بررسی دقیق‌تر و ارائه شواهد مستند هستند.

همزمانی تهاجم تروریست‌ها در سوریه با آتش بس لبنان طراحي آمريكايي-عبري است



رئيس ستاد كل نیروهای مسلح: تهاجم گروه‌های تروریستی تکفیری در سوریه گام اول یک سناریوی خطرناک برای منطقه است،

همزمان بودن این تهاجم با آتش‌بس شکننده‌ی رژیم صهیونیستی با لبنان، بیانگر یک توطئه‌ی هماهنگ آمریکایی - عبری برای تضعیف سوریه، هم‌پیمانان و محور مقاومت می‌باشد.

طرفین بر حمایت قاطع از دولت قانونی سوریه اتفاق نظر داشتند و مقرر شد نسبت به پشتیبانی از ارتش سوریه اقدام لازم را به عمل آورند.

علیرضاکملی

گروه‌های مسلحی که این روزها سوریه را بهم ریختند ترکیبی از چند گروه کوچک هستند که با محوریت جولانی و با هدف حذف دشمن مشترکی بنام رژیم اسد دور هم جمع شدند ولی باورهای متنوعی در آنها موجود است.

تفکیک شخص جولانی و مواضع او از سایر جریانات اگر رخ ندهد مانع تحلیل درست خواهد شد چرا که او اینک از طرف خیلی‌ها متهم به کفر است چونکه با ترکیه همکاری کرده و از کفار استعانت نموده است یا در مقابل کفار دیگر مسامحه کرده و همه را نمی‌کشد! یعنی جریان تکفیری هم او را می‌زند.

آیه نهم حجرات درباره دو گروه مسلمان است که با هم می‌جنگند (و این طائفان من المؤمنین اقتتلوا...) می‌باشد. در لسان قرآن گاهی مومن برای گنهکار هم بکار رفته چرا که ایمان امری تشکیکی و طیفی است. اینجا می‌گوید ممکن است دو مومن خون هم را بریزند و یکی ظالم و باغی باشد. شبیه تعبیری که امام علی علیه السلام درباره خوارج به کار بردند.

نمی‌شود با هوچی گری رسانه ای همه را خفه کرد و حقایق را نادیده گرفت. اینکه مسلحین سوریه عملاً دارند مسأله غزه را به حاشیه می‌برند واضح است و من از ابتدا در گفتگوی ویژه گفتیم و نوشتم ولی اینکه به همین خاطر صهیونیست هستند خیر!

آیا همه اینها تکفیری هستند؟! قطعاً نه! حتی آیا حق اعتراض

چرا سوریه فتنه‌ای پیچیده است نه ساده!



دارند؟! بله! چون در مقابل آنها دولتی هست که تن به اصلاحات نداده و در سرکوب مردم خود ید طولایی دارد. ولی حضور مسلحین خارجی و بهم ریختن کشور هم راه حل نیست.

اینکه سوریه یک تیر هم سمت اسرائیل نزده، اینکه شدیداً مخالف اسلام سیاسی با همه انواع آن هست، اینکه با روسیه بیشتر احساس نزدیکی می‌کند، اینکه دینداری مردم سوریه را تضعیف کرده و... را که نمی‌شود منکر شد! ولی نقش او در رساندن سلاح به مقاومت ستودنی و مهم است. کسی منکر نیست.

اما اگر ما حق قیام برای مردم بحرین و مصر و... علیه دیکتاتوری‌های شان قائل هستیم نمی‌شود به سوری‌ها بگوییم فقط بخاطر نقش غیرمستقیم سوریه در مسأله مقاومت سکوت کنید! و همه چیز را بعد از پنج دهه تحمل کنید!

خب یعنی عمل مسلحین مورد تایید است؟! نه! ولی بدانیم که همه باید برای اصلاح وضعیت داخلی سوریه که عامل این گرفتاری هاست تلاش کنند. اتفاقات اخیر نشان داد که مردم و ارتش سوریه که اکثراً سنی هستند انگیزه خود را برای جنگیدن پای حکامی که از اقلیت علوی هستند و رفتار سرکوبگرانه داشته اند از دست داده اند و اگر ترس از داعش نبود قبلاً هم نمی‌ایستادند.

اینکه رهبری به شهید همدانی دستور دادند طوری بچنگید که از طرفین کمتر کشته شوند در همین نهفته است که نیروهای طرف مقابل درگیر چهل هستند و باید سعی کرد با تبیین آنها را برگرداند چرا که مسلمان هستند هر چند اشتباه تشخیص داده باشند. کاری که برخی بچه‌های حزب به دستور سید در جنگ قبل انجام دادند... والسلام!

اگر مسأله را ساده سازی کردیم و هر کس ابعاد واقعی را تبیین نمود با برجسب خفه کردیم که واقعیت عوض نمی‌شود و ما مجبوریم هر چند سال، خون بهترین جوانان مان را در سوریه جاری ببینیم!

فاطمه زهرا (س) اسوه سلامت معنوی

محمد جواد رودگر

درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خداوند پیام آورده است تا هر چه خواهی تحقق پذیرد! حضرت زهرا (سلام الله علیها) علت اینگونه بی اعتنایی خویش به خواسته های دنیوی را به نمایش گذاشت و فرمود: «شغلنی عن مسئلتی لذة خدمتی، لا حاجة لی غیر النظر إلی وجهه الکریم». لذتی که از خدمت و حضور خداوند می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم (ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج ۱، ص ۱۰۵؛ محمد دشتی، نهج الحیاء، ج ۱۹ ص ۵۶).

ج) در ساحت گرایش/منشی در قلمروهای مختلف از جمله قلمرو اخلاقی تنزیهی نیز فرمود: حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در ادعیه به معرفی برخی صفات رذیله و هلاکات انسانی می پردازد: «و من شر الفساق و الفجار، و الکهان و السحار و الحساد و الذقار و الأشرار... و أعوذ بک اللهم من الهتم و الحزن و العجز و الكسل و الجبن و البخل و... و أعوذ بک من همزات الشیاطین و أعوذ بک رب أن یحضرن» (موحد ابطحی اصفهانی، الصحیفه الجامعه لادعیه، سیده نساء العالمین فاطمه الزهرا (علیها السلام)، ص ۴۱) و در جای دیگر می فرماید: «اللهم أنزع العجب و الریاء و الکبر و التبغی، و الخسد و الضعف، و الشک و الوهن و الضر و الأسقام و الخذلان و المکر و الخدیعة و البلیة و الفساد من سمعی و بصری و جمیع جوارحی، و خذ بنیاعی إلی ما تحب و ترضی یا أرحم الراحمین» (همان، ص ۵۵).

حضرت خودشان از مصداق باهر نراحت روح و نزاکت اخلاقی، مکارم اخلاقی و طهارت وجودی در قلمرو وسیع گرایش ها و منش های اخلاقی بوده و صدق، وفا، انفاق، امانتداری، اخلاص، توکل و... در متن حیات طیبیه اش موج می زد. حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود: «از دنیای شما محبت سه چیز در دل من نهاده شده ۱. تلاوت قرآن؛ ۲. نگاه به چهره پیامبر خدا؛ ۳. انفاق در راه خدا»؛ حضرت فاطمه علیها السلام: حُبَّ إِبْنِی مِنْ دُنْیَاکُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ کِتَابِ اللّٰهِ وَ التَّطَوُّرُ فِی وَجْهِ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ الْإِنْفَاقُ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ (محمد دشتی، نهج الحیاء، ج ۱۶۴)

و در قلمرو ساحت سیاسی و اجتماعی فاطمه زهرا (س) با بینش و بصیرت عمیق در وفاداری به مقام امامت و ولایت آنگاه که در میان سکوت، اندوه و شگفتی حاضران مهاجمین دست از امام علی علیه السلام کشیدند و حضرتش تنها و مظلوم از مسجد مدینه خارج گشته راهی خانه شد، به امام و شوهر معصوم خود نگریسته در یک خطاب آکنده از معرفت و محبت، آگاهی و عشق فرمود: «روحی لروحک الغداء و نفسی لنفسک الوفاء یا بالبحسن! ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک» علی جان! جانم فدای تو، و روحم سپر بلاهای جان تو؛ همواره با تو خواهم بود؛ اگر تو در خیر و نیکی به سر میبری، با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بالای گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود (نهج الحیاء، ص ۱۴۷، ج ۱، ص ۷۵؛ الکوکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶)

همانگونه که امام علی علیه السلام در سخنی زیبا در پاسخ به پرسش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره همسرشان فرمودند: «نعم العون علی طاعة الله...» فاطمه علیها السلام را بهترین یاور خود بر اطاعت پروردگار یافتیم» حضرت زهرا نیز در سخنی امام علی علیه السلام را «خیر بعل» بهترین همسر و مایه خیر توصیف نمود (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷)

و در قلمرو خانوادگی نیز از ویژگی های ممتاز حضرت زهرا علیها السلام تبعیت از شوهر و محترم شمردن تصمیمات او بود. در برخی موارد تصمیمات شوهر به ظاهر برخلاف میل و خواسته آن حضرت بود. اما ایشان با کمال ادب و احترام خواسته و دستور شوهر گرمی شان علی علیه السلام را بر نظر خود مقدم می داشت و از وی اطاعت می نمود. به عنوان نمونه حضرت زهرا علیها السلام در اثر آزار و اذیت هایی که در قضیه جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسأله فدک بر وی وارد گردید از رفتار و موضع گیری برخی شخصیت ها به شدت ناراحت بود.

هنگامی که در بستر بیماری بود راضی به عبادت آنها نبود و آنان را به حضور نمی پذیرفت تا اینکه آنان به حضرت علی علیه السلام متوسل شدند. وقتی حضرت علی علیه السلام درخواست ملاقات آنان را مطرح کرد، حضرت زهرا علیها السلام این گونه، خواسته همسر را بر خواسته خود مقدم می دارد: «... البیت بیتک و الحره زوجتک افعل ما تشاء؛ علی جان! خانه، خانه تو است و من همسر تو هستم، هر چه خواهی انجام بده» (طبری، دلائل الامامه، ج ۱، ص ۱۴).

افزون بر این در تشبه ظاهری و باطنی به پیامبر اعظم (ص) نیز به هر حال به تعبیر استاد شهید مطهری: علمای سیره و حدیث درباره حضرت زهرا (س) گفته اند: «کانت فاطمه صلوات الله علیها من أهل العباء و المباهلة و المهاجرة فی أصعب وقت و کانت فیمین نزلت فیهم آیه التطهیر و افتخر جبرائیل بکونه منهم و شهد الله



لهم بالصدق و لها أومة الأئمة و عقب الرسول صلی الله علیه و آله الی یوم القیامة و کانت أشبه الناس حدیثا برسول الله صلی الله علیه و آله تحکی شیمتها شیمته و ما تخرم مشیها مشیه و کانت اذا دخلت علیه رَحَبَ بها و قَبِلَ یدِیها و أجلسها فی مجلسه، فاذا دخل علیها قامت الیه و قَبِلت یدیه. (فاطمه (صلوات الله علیها) از اهل کساء و مباحله و مهاجرت در سخت ترین دوران بود و در زمره کسانی که آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) درباره آنها نازل شد و جبرئیل به بودن در میان آنان افتخار می کرد و خداوند به صدق و راستگویی ایشان گواهی داد، و برای او مقام مادری امامان و نسل رسول صلی الله علیه و آله تا روز قیامت است.

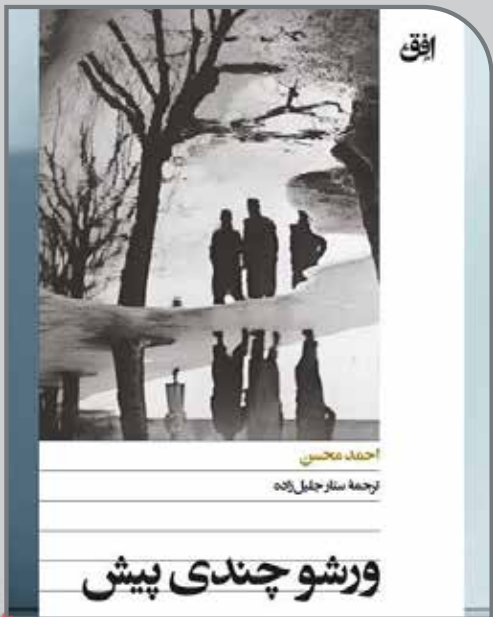
او شبیه ترین فرد به رسول الله صلی الله علیه و آله در سخن گفتن بود، اخلاقش حکایت از اخلاق پیامبر می کرد و راه رفتنش اندک تفاوتی با راه رفتن پیامبر نداشت، و هر گاه بر پیامبر وارد می شد پیامبر به او خوشامد می گفت و دستانش را می بوسید و در جای خودش می نشاند و هر گاه پیامبر بر او وارد می شد، فاطمه در برابرش برمی خاست و دستانش را می بوسید. (مرتضی مطهری، خطبه های اخلاقی، ج ۱، ص ۳۱۷-۳۱۸)

درد دل امیرالمومنین (ع) با پیامبر (ص) در کنار قبر حضرت زهرا (س)

و در پایان نوشته حاضر به عنوان ذکر مصائب صدیقه کبری، فاطمه زهرا (س) در خطبه ۲۰۲ نهج البلاغه «و من کلام له رَوَى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ عِنْدَ دَفْنِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ كَأَلْمَانِجِي بِهِ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ قَبْرِهٖ» از زبان امیرالمومنین (ع) می خوانیم که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ التَّارِثَةِ فِي جَوَارِكِ وَ السَّرِيعَةِ لِلْحَقِّ بِكَ. قُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَن صَفِيَّتِكَ صَبْرِي وَ رَقِّ عَنِّي تَجَلْدِي، إِلَّا أَنْ فِي النَّاسِي لِي بَعْظِيمٌ فُرْقَتِكَ وَ فَادِحٌ مُصِيبَتِكَ مَوْضِعَ نَعْرَةٍ، فَلَقَدْ وَسَدَّتْكَ فِي مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فَاضَتْ بَيْنَ نَعْرِي وَ صَدْرِي نَفْسُكَ، فَإِنَّا اللَّهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. فَلَقَدْ اسْتَرْجَعْتَ الْوَدِيعَةَ وَ أَخَذْتَ الْإِهْمِيَّةَ، أَمَا حَزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَا لَيْلِي فَمُسَهَّدَةٌ، إِلَى أَنْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي ذَاكَ الَّتِي أَنْتَ بِهَا مُقِيمٌ. وَ سَتَنْتَبِكُ ابْنَتُكَ بِتَضَافُرِ أَمْتِكَ عَلَيَّ هَضْمِيًّا، فَأَخْفَهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخِيرَهَا الْحَالَ، هَذَا وَ لَمْ يَطَّلِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخَلْ مِنْكَ الذِّكْرُ».

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا سَلَامٌ مُؤَدَّعٍ، لَا قَالٍ وَ لَا سَمِعٍ، فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَأَةٍ، وَ إِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ. از سخنان آن حضرت است این سخن را به هنگام دفن سرور زنان جهان حضرت فاطمه علیها سلام گفت، گویی با پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر قبرش درد دل می کرد: (ای رسول خدا، از من و دخترت بر تو سلام باد که در جوار تو آمد، و به سرعت به تو ملحق شد. ای رسول حق، از دوری دخترت برگزیده ات شکیبایی ام کم شد، و طاقتم از دست رفت، جز آنکه مرا در فراق عظیم تو، و سنگینی مصیبتت جای تسلیت (در مصیبت فاطمه) است؛ زیرا من بودم که با دست خود تو را در آغوش خاک جای دادم، و سرت بر سینه من بود که روح پاکت از قفس تن پرید. ما از خداییم و به خدا بازمی گردیم. راستی که امانت بازگردانده شد، و گروگان دریافت گردید.

اما غصه من ابدی است، و شیم قرین بیداری است تا زمانی که خداوند برای من جایگاهی را که تو در آن اقامت داری اختیار کند. به زودی دخترت از همدستی امت برای ستم بر او به تو خبر خواهد داد، در پرسیدن از او اصرار کن، و خبر اوضاع را از او بخواه، در حالی که بین ما و تو فاصله زیادی نشده و زمانه از یادت خالی نگشته، این همه ستم به ما شد. به هر دو نفر شما سلام باد؛ سلام وداع کننده، نه سلام رنجیده خاطر دلتنگ. اگر از کنار مرقدت بروم نه از باب ملالت است، و اگر بمانم نه از جهت بدگمانی به آنچه خداوند به صابران وعده داده است.



ورشو چندی پیش

داستانای درباره سیاهی جنگ جهانی

«ورشو چندی پیش» نوشته احمد محسن نویسنده شهیر لبنانی، داستانی است درباره سیاهی جنگ، بحران هویت، نسل هایی از هم جدا افتاده و حفره های خالی در سینه بشریت که با ترجمه ستار جلیل زاده از زبان عربی ترجمه و از سوی نشر افق منتشر شده است.

احمد محسن، متولد ۱۹۸۴، نویسنده و روزنامه نگار لبنانی است. او پس از فارغ التحصیلی از دانشکده اقتصاد اتحادیه عرب در بیروت در نشریات تخصصی ادبی و فرهنگی چند داستان و شعر منتشر کرده است. ورشو چندی پیش دومین اثر او پس از بازی ساز (۲۰۱۲) است.

داستان این کتاب از سال ۱۹۴۵ روایت می شود و خروج راوی اول از اردوگاه کار اجباری نازی ها، و ورود با دیگر اسرا میان نیروهای شوروی، که نان بین شان پخش می کردند و با آب، غبار اسارت را از تن هاشان می زدودند. درگیری های ذهنی راوی - یوسف یهودی اهل لهستان - همین جا شروع می شود؛ بیرون زده از اردوگاه مرگ، زنده مانده در میان مردگان و آوارهای در میان ادیان و ایمان ها. او اما مثل بیشتر آدم های درگیر جنگ، فقط به دنبال مکانی و امکانی برای زندگی است.

ورشو چندی پیش داستانی از بی فضیلتی جنگ است و آسیب هایی که گاه تا نسل های آتی درمانی ندارد. کتاب دو راوی اول شخص دارد، داستانی یکی از ۱۹۴۵ آغاز می شود و دیگری از ۱۹۸۲.

یوسف، موزیسینی لبنانی، پدر پسری کشته شده در جنگ های فلسطین و اسرائیل، و پدر بزرگ نوه ای به نام ژوزف است. ژوزف پسری است که ارتباطی نزدیک با پدر بزرگ دارد و به عشق او، نوازنده پیانو می شود و با هم به سفر می روند.

احمد محسن، نویسنده اثر، به خوبی خواننده را در لمس احساسات پیچیده شخصیت ها با خود همراه می کند. موسیقی در این کتاب جاری است، از همان ابتدا تا وقتی که می فهمیم ژوزف چه آرزویی برای نوه اش در سر دارد. پیوند عمیق این دو شکل می گیرد، پنداری که سرنوشت مسیری مشابه برای آن ها در نظر دارد: با حمله اسرائیل به بیروت در سال ۲۰۰۶، ژوزف سر همان دوراهی پدر بزرگ قرار می گیرد: در ورشو بماند، به کشور دیگری برود، یا تصمیم ۶۰ سال پیش پدر بزرگش را تکرار کند.

در تمام سطور کتاب، احمد محسن با چیره دستی، جنگ را حی و حاضر نگه می دارد: چه در لهستان، چه در لبنان و چه در فلسطین. نویسنده می کوشد با روایتی سهل و ممتنع، پیچیدگی های روح بشر را به تصویر بکشد؛ گره هایی که در عین پیچیدگی به یک کلمه ختم می شود: جنگ.

نخستین کتاب احمد محسن «سازنده بازی ها» است که در سال ۲۰۱۴ نامزد جایزه ادبی شیخ زاید شد. کتاب ورشو چندی پیش نامزد جایزه ادبی بوکر عربی نیز شد.

در قسمتی از کتاب می خوانیم: «شب اول تپش های قلبم را به باد های آینده سپردم که گفته می شد از آسمان مسکو به سویمان خواهند آمد و به سرعت در حال عبور از اورال اند. در خانه متروکه، روی تخت خوابیدم و کلاه پشمی را روی سرم سفت کردم، انگار سرم را می بستم تا مانع نفوذ جهان در آن شوم. آرام پتوی ضخیمی روی بدنم انداختم تا کتابی را که از کتابخانه به امانت گرفته بودم خراب نکنم: جنایات و مکافات داستایفسکی.»



تغییر زمین بازی

علاءالدین بیروجردی

در صورت برگرداندن تحریم‌های شورای امنیت و ارسال پرونده هسته‌ای ایران را از شورای حکام به شورای امنیت، زمین بازی تغییر خواهد کرد

در برجام قرار بر این بود که تحریم‌ها علیه کشورمان برداشته شود، اما دونالد ترامپ بازی را به هم زد و اروپایی‌ها نیز که استقلال سیاسی ندارند، سیاست‌های آمریکا را دنبال کردند.

اما در این دوره از ریاست جمهوری دونالد ترامپ امکان وقوع اتفاقات دیگری وجود دارد، زیرا انطباق سیاسی کاملی بین آمریکا و اروپا برقرار نیست. به همین دلیل احتمال این که ما شاهد تضاد منافع در این عرصه باشیم، وجود دارد

اگر قرار بر این باشد که غرب تحریم‌های شورای امنیت را برگرداند و پرونده هسته‌ای ایران را از شورای حکام به شورای امنیت منتقل کند، طبیعتاً زمین بازی تغییر خواهد کرد. به این ترتیب جمهوری اسلامی ایران نیز مجاز خواهد بود متناسب با وضعیت جدید و براساس منافع ملی خود هر تصمیمی را اتخاذ کند

این درحالی است که غرب نیز آگاهی دارد که جمهوری اسلامی ایران از توانمندی و امکانات لازم برخوردار است. بیروجردی با اشاره به این که حرکت در مسیر تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای سیاست جمهوری اسلامی ایران نیست، اما اگر غرب به شکل دیگری عمل کند جمهوری اسلامی ایران ناگزیر به اتخاذ سیاست‌های دیگر می‌شود. آنها باید بدانند که ایران برای تامین امنیت ملی خود در چنین رویکردی تردید نخواهد کرد

آنچه اروپایی‌ها با فشار آمریکا و رژیم صهیونیستی در اجلاس شورای حکام انجام دادند نشان داد که آنها دچار اشتباه محاسباتی شده‌اند و در برابر این رویکرد ما نیز تعداد سانتریفیوژها را افزایش دادیم. به این صورت توانمندی ما به شکل مضاعف افزایش پیدا کرد، غرب باید آگاه باشد که ما در خصوص منافع ملی و امنیت ملی خود با کسی شوخی نداریم و در این خصوص کوتاه نخواهیم آمد. به همین دلیل اگر آنها رویکرد خصمانه خود را افزایش دهند احتمال اتخاذ هر تصمیمی از سوی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

رایزنی اردوغان والسودانی درباره تحولات سوریه



رئیس جمهور ترکیه و نخست وزیر عراق تلفنی درباره آخرین تحولات در سوریه رایزنی کردند.

نخست‌وزیر عراق خطاب به رئیس‌جمهور ترکیه:

عراق کنار نمی‌ایستد و عواقب خطرناک سوریه را تماشا نمی‌کند.

آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد به نفع رژیم صهیونیستی است. رژیم صهیونیستی سایت‌های ارتش سوریه را به گونه‌ای بمباران کرد که راه را برای کنترل مناطقی در سوریه برای گروه‌های تروریستی هموار کرد.

ما بر اهمیت هماهنگی و حمایت از امنیت در سوریه تاکید می‌کنیم زیرا این امر به طور مستقیم بر امنیت عراق و کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد.

رضارحمتی

درست چند ساعت بعد از اعلام آتش‌بس بین اسرائیل و لبنان، کمی آن‌سوتر در سوریه، اعلام شد تروریست‌های احرارالشم به سمت روستاهای شهر حلب حرکت کرده و خود را به مرور به نزدیکی‌های شهر رسانده‌اند. درست شبیه آنچه از سال‌های اوج‌گیری داعش در سوریه و عراق به یاد داریم، این بار هم تروریست‌ها با حجم بسیار بالایی از خشونت و کشتار کار خود را شروع کردند و توانستند بعد از ۲ روز، خبر تسلط خود بر برخی روستاهای اطراف حلب را جهانی کنند. اتفاقات روزهای اخیر در سوریه، چندان بی‌تفاوت با صحنه نبرد در لبنان و پایان آن نیست. آنچه مشخص است اینکه وضعیت صحنه نبرد اسرائیل و لبنان تأثیر مهمی بر ادراک ترکیه و نیروهای مخالف دولت مستقر در سوریه داشته و آنها را به سمت وضعیت جدید ضدامنیتی در سوریه سوق داده است. چه چیزی سبب اتفاقات جدید در سوریه شده است؟

۱. درگیری جبهه مقاومت

شاید مهم‌ترین دلیل اتفاقات اخیر در سوریه را باید درگیر شدن و نبردهای مستمر یک سال گذشته در جبهه جنوبی لبنان قلمداد کرد. گسیل نیروهای حزب‌الله لبنان از مرزهای سوریه و از صحنه نبردهای مقاومت با گروه‌های تکفیری - تروریستی و از سوریه به سمت لبنان، سبب شکل‌گیری خلأ قدرت پایدار در سوریه شده است. درگیری گروه‌های مقاومت به نبرد با اسرائیل، آمادگی نیروهای مقاومت را در سوریه تحت تأثیر قرار داده و سوریه را با یک وضعیت معماگونه از نظر قدرت نظامی مواجه کرده است. اگرچه نظام و ارتش سوریه توانسته از ۴ سال پیش وضعیت اقتدار سیاسی خود را تا حدی تثبیت کرده و حاکمیت خود را تسری دهد اما به سبب مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی، این موضوع مانع شکل‌گیری نیروهای تکفیری جدید در سوریه نبوده و نظام و ارتش سوریه خلأ قدرت ناشی از عدم حضور نیروهای مقاومت در سوریه را نتوانسته پوشش دهد. همین موضوع این استنباط را در نیروهای تکفیری به وجود آورده که در این زمان با حمله به شهر حلب به عنوان دومین شهر بزرگ سوریه از نظر جمعیتی و با عملیات رسانه‌ای، می‌تواند یک جو روانی تأثیرگذار علیه سوریه به وجود آورد.

۲. درگیری روسیه با اوکراین

یکی از مزیت‌های سوریه در جنگ با تروریست‌های تکفیری از ژانویه ۲۰۱۲، این بود که روسیه با حمایت هوایی از جبهه مقاومت توانمندی کافی را برای پشتیبانی از عملیات زمینی نیروهای مقاومت سوریه و مقاومت منطقه‌ای حامی سوریه داشت. بویژه در سال ۲۰۱۵ که درگیری بین این گروه‌های ائتلافی با دولت سوریه اوج گرفت، دولت روسیه به عنوان مهم‌ترین حامی عملیات هوایی از نیروهای مقاومت علیه تروریست‌ها حمایت کرد. درگیر شدن روسیه از سال ۲۰۲۲ به معمای اوکراین تا حد زیادی روسیه را از سوریه دور کرده است. اگرچه روسیه کماکان حضور نظامی خود را در سوریه دارد اما این حضور تا حد بسیار زیادی تنزل یافته است. این موضوع نیز در ادراک تروریست‌ها و کشورهای پشتیبان آنها برای شروع دور جدید حملات علیه دولت و مردم سوریه بی‌تأثیر نبوده است.

آنچه در سوریه اتفاق می‌افتد

۳. اشتغال محور مقاومت به اسرائیل

محور مقاومت و در رأس آن ایران، در ماه‌های اخیر خود را در صحنه امنیتی مواجهه با اسرائیل دیده است. عملیات‌های وعده صادق ۱ و ۲ و درگیری‌های مستقیم ایران با اسرائیل به همراه تمرکز دیپلماتیک و لجستیک ایران برای پایان رنج مردم غزه و لبنان، ایران را از میدان سوریه دور کرده و این بهترین فرصت برای ترکیه و نیروهای طرفدار ترکیه برای بین بردن فضای امنیت داخلی در سوریه بوده است. بنابراین در برداشت گروه‌های تروریست منطقه و از جمله گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه که تحت حمایت همه‌جانبه ترکیه قرار گرفته است، مشغولیت ایران به موضوعات امنیتی و جنگ لبنان و غزه، فرصتی برای شروع یک عملیات ضدامنیتی علیه دولت سوریه است.

۴. تغییر در ادراک اسرائیل نسبت به سوریه

پیش از طوفان الاقصی، اسرائیل از جانب سوریه تهدید چندانی را نسبت به امنیت داخلی خود تصور نمی‌کرد، به این سبب که نظام سیاسی سوریه و دولت بشار اسد در مواضع خود، با احتیاط رفتار کرده و صحنه منازعه را به سمت اسرائیل گسترده نکرده بود. بعد از طوفان الاقصی و به طور خاص در این جنگ ۵۵ روزه بین اسرائیل و حزب‌الله در لبنان، سوریه به صورت خاصی برای اسرائیل تبدیل به یک طرف ماجرا شده است. اسرائیل سوریه را عامل انتقال سلاح به حزب‌الله لبنان معرفی کرده و چندین مرتبه تلاش کرده است فرودگاه‌ها، مسیرهای اتصالی و خطوط ارتباطی بین سوریه و لبنان را قطع کند تا به تعبیر مقامات اسرائیلی، «مانع انتقال سلاح از سوریه به لبنان شود». بمباران‌های بی‌دری سوریه توسط اسرائیل با هدف انسداد مسیرهای انتقالی و حمل‌ونقلی سوریه به لبنان و دریافت کمک‌های حزب‌الله از مسیر سوریه بوده است. از طرف دیگر حملاتی که از جانب سوریه به بلندی‌های جولان اشغالی سوریه در ماه‌های اخیر انجام شده است، اسرائیل را نسبت به سوریه به این درک رسانده است که در مناسبات با سوریه تجدیدنظر جدی کند.

۵. آمریکا و احتمال یک وعده پنهانی به نتانیاهو

در جریان آتش‌بس اسرائیل و لبنان، همه کسانی که تحولات را رصد می‌کردند به دنبال این بودند تا بدانند که آمریکا بابت این آتش‌بس چه وعده بزرگی به اسرائیل داده است که اسرائیل را وادار به این شکست کند که بدون دستیابی به اهداف تعریف شده‌اش نسبت به لبنان، جنوب لبنان را خالی کرد و نیروهایش را به سرزمین‌های اشغالی فراخواند.

برخی منابع خبری آمریکایی و صهیونیستی نیز از وعده بزرگ بایدن به نتانیاهو برای انجام آتش‌بس در لبنان گزارش داده بودند. به نظر می‌رسد حالا آن وعده بزرگ در حال رونمایی است. چند ساعت بعد از آتش‌بس در لبنان، آتش‌خسونت در



منطقه خاورمیانه یک بار دیگر از اطراف حلب سوریه روشن و با کشتار وحشیانه دیگری همراه شد. به نظر می‌رسد احتمالاً ایالات متحده برای متقاعد کردن اسرائیلی‌ها به آتش‌بس، وعده کنترل یا تغییراتی در سوریه و انسداد مسیر مرزی سوریه و لبنان را به نتانیاهو داده است.

۶. نقش ترکیه و سرخوردگی سلطان

در ۲ دهه اخیر، همیشه یک طرف طمع و درگیری در سوریه، ترکیه اردوغان بوده است. در دور قبل حملات گروه‌های تروریستی با شکست همراه شد و تقریباً به جز در اختیار قرار گرفتن بخشی از نوار مرزی شمالی سوریه و توسط گروه‌های حامی ترکیه شبیه ارتش آزاد و سرکوب وحشیانه کرده‌ای منطقه روژولوا، ترکیه هیچ دستاوردی از حمایت همه‌جانبه‌اش از گروه‌های مخالف و تروریستی در سوریه به دست نیاورد. بعد از عملیات طوفان الاقصی هم که ترکیه به سبب حمایت‌های پشت پرده‌اش از اسرائیل درباره منابع انرژی و مواد خام کارخانه‌های اسلحه‌سازی اسرائیل، مورد اتهام بسیاری از مسلمانان قرار گرفته بود، به نظر می‌رسید که ترکیه سلطان اردوغان خود را در بن‌بست اعتبارش در جهان اسلام می‌بیند. حضور ایران در مناقشه اسرائیل و لبنان و غزه، برای اردوغان موضوعی نبوده است که به این سادگی قابل هضم باشد.

اگرچه ترکیه اردوغان در رسانه‌ها تهدید به حمله به اسرائیل کرده بود اما ایران طی ۲ عملیات دقیق اسرائیل را مورد حمله قرار داد و توان رزم خود را به رخ کشید و اعتبار خود را در جهان اسلام افزایش داد. چنین وضعیتی برای اردوغان، چیزی جز عصبانیت به دنبال نداشته است. هجوم به حلب توسط نیروهایی که با تجهیزات ترکیه وارد میدان نبرد شده‌اند، این موضوع را متبادر می‌کند که ترکیه به دنبال این است «دستاوردی» برای خود کسب کند، حتی اگر این دستاورد به آشوب کشیدن دوباره سوریه باشد. با این حال باید دید در روزهای آینده چه اتفاقاتی در سوریه می‌افتد تا بتوان درک دقیقی نسبت به آینده مناسبات و تحولات سوریه داشت، اما آنچه مشخص است اینکه سر بر آوردن گروه‌های تروریستی در سوریه را نباید یک موضوع درون‌گروھی قلمداد کرد، بلکه یک صحنه کاملاً ترکیبی شکل از بازیگری آمریکا، اسرائیل و ترکیه است.

عبرتی که از وینوگراد گرفته نشد

محمدجواد اخوان

نبود، بلکه در کنار ضربه به حزب‌الله، کوچ اجباری شیعیان حامی مقاومت از جنوب لبنان را دنبال می‌کردند تا محیط اجتماعی مقاومت نیز نابود شود.

ضربات سنگینی که در روزهای نخست جنگ به بیروت و ضاحیه وارد شد و نیز شهادت جمعی از فرماندهان مجرب حزب‌الله و به‌ویژه شهید سیدحسین نصرالله و شهید سیدهاشم صفی‌الدین، این امید کاذب را در تل‌آویو ایجاد کرد که کار حزب‌الله رو به اتمام است و دیگر مقاومت از زیر بار این ضربات کمر راست نخواهد کرد.

به رغم دو ماه بمباران بی‌امان هوایی با مخرب‌ترین سلاح‌های ساخت آمریکا و نیز ورود زمینی، ماشین جنگی زرهی اسرائیل به جنوب، نه‌تنها پیشروی قابل‌اعتنایی حاصل نشد، بلکه پاسخ موشکی مقاومت افزایشی شتابناک داشت. بدین ترتیب نه‌تنها آوارهای الجلیل به خانه‌های خود بازنگشتند، بلکه بحران آوارگی به حیفا و حتی پرمون تل‌آویو رسید.

نتانیاهو در سخنرانی خود در خصوص آتش‌بس در ضمن اعلام دلایل اتخاذ این رویکرد، به نکته‌ای مهم اشاره کرد و یکی از دلایل آتش‌بس را «لزوم تقویت نیروهای نظامی اسرائیل و غلبه بر موانع تسلیحاتی» ذکر کرد. واقعیت آن است که مقاومت مثال‌زدنی در غزه و جنوب لبنان نه‌تنها زرادخانه‌های اسرائیل را تقریباً خالی کرد، بلکه کمک‌های تسلیحاتی سراسر آمریکا و غرب نیز عملاً مشکل اسرائیل را حل نکرده و اینک ادامه جنگ برای اسرائیل دیگر ممکن نبود. این در حالی است که غزه از سال‌ها پیش و لبنان نیز از ابتدای جنگ در محاصره شدید قرار دارند، باین‌حال نتوانسته‌اند با استقامت توان دشمن صهیونیستی را از کار بیندازند. بدین ترتیب نه‌تنها مقاومت اسلامی در لبنان نابود نشد و حامیان



حزب‌الله لبنان را ترک نکردند، بلکه حزب‌الله اراده خود را بر رژیم صهیونی تحمیل کرد و سرنوشت جنگ مشابه جنگ ۳۳ روزه رقم خورد. هر چند در پایان جنگ ۳۳ روزه، کمیته «وینوگراد» دلایل شکست در جنگ را برای اسرائیلی‌ها بررسی کرد، اما گویا این گزارش در تل‌آویو موجب عبرت نشد.

در این گزارش تصریح شده بود «وارد شدن به جنگ بدون در نظر گرفتن استراتژی خروج، یک اشتباه وحشتناک بود.» اینک نیز نتانیاهو درحالی‌که در باتلاق غزه گرفتار بود، رژیم را درگیر جنگی سهمگین‌تر کرد و به رغم هشدارهای برخی هم‌مسلك‌هایش، به این مسیر ادامه داد تا نهایتاً همان تجربه تلخ را برای رژیم صهیونی رقم بزند. حتی اگر بر فرض، آتش‌بس هم دوام نیابد، باز نتیجه همین خواهد بود و نابودی مقاومت اسلامی لبنان خیالی خام بیش نیست. حزب‌الله زنده است و زنده خواهد ماند.

شراکت نیجریه و بانک جهانی برای افزایش سرمایه‌گذاری با استفاده از ارز محلی



خورزوخان در پاستور

عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد در سی و یکمین همایش بین‌المللی روز بیمه با بیان اینکه تا زمانی که وزیر اقتصاد دولت پزشکینان و دولت چهاردهم باشم اجازه رانت و قاچاق را به کسی و گروهی نمی‌دهم، اظهار داشت: مشکل اصلی اقتصاد کشور ناترازی‌ها است و دنبال این هستیم که ناترازی و ریشه تورم را از بین ببریم.

وی ادامه داد: چند نرخ بودن ارز مشکل افتاد است و در حال حاضر یارانه‌ها بدون هدف توزیع می‌شوند و وقتی هم که می‌گوییم می‌خواهیم ریشه ناترازی را حل کنیم عده‌ای سریع می‌گویند قرار است گرانی راه بیفتد. اما اینجا می‌گویم مردم ما نمی‌خواهیم چیزی را گران کنیم. وزیر اقتصاد تاکید کرد: سال گذشته از محل چند نرخ بودن ارز و اختلاف نرخ‌ها ۱۷۰۰ همت رانت برای عده‌ای ایجاد شد و کسری بودجه عملیاتی کشور به ۱۰۰۰ همت رسید.

همتی گفت: امروز کسری بودجه ریشه اصلی تورم و چاپ پول در کشور است و در این باره شک نداشته باشید. سال گذشته که نرخ ارز نیمایی سرکوب می‌شد نرخ تورم ۵۲ درصد بود امسال با کاهش فاصله نرخ ارز نیمایی و ارز بازار آزاد نرخ تورم ۳۲ درصد است.



داد و رشد اقتصادی و ایجاد شغل در سراسر کشور را تقویت خواهد کرد.»

با توجه به اینکه پرتفوی (سبد سهام) فعلی سرمایه‌گذاری‌های IFC در نیجریه تا سقف ۲.۱۳ میلیارد دلار است (دومین پرتفوی بزرگ در آفریقا) تامین مالی به ارز محلی اولویت اصلی IFC است.

IFC همچنان به استفاده از ابزارهای مالی نوآورانه و تقویت همکاری‌ها برای پاسخگویی به تقاضای رو به رشد برای تامین مالی بیشتر به ارز محلی در بازارهای نوظهور ادامه خواهد داد. منبع: IFC

مؤسسه مالی بین‌المللی IFC به عنوان یکی از نهادهای وابسته به بانک جهانی و بانک مرکزی نیجریه (CBN) توافق‌نامه‌ای را برای افزایش تامین مالی به ارز ملی (محلی) امضا کردند تا به کسب‌وکارهای خصوصی در نیجریه امکان رشد و شکوفایی داده شود.

سرمایه‌گذاری گسترده IFC در بخش‌های مختلف اقتصاد نیجریه

این همکاری به IFC اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاری خود را در نایرا، ارز رسمی نیجریه، افزایش دهد و به این ترتیب به بخش‌های مختلف اقتصاد این کشور کمک کند. بخش‌هایی مانند کشاورزی، مسکن، زیرساخت‌ها، انرژی، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و اقتصاد خلاق و جوانان از جمله بخش‌هایی هستند که از این سرمایه‌گذاری‌ها بهره‌مند خواهند شد.

خبرگزاری‌ها گزارش می‌دهند که IFC قصد دارد با هدف تامین بیش از یک میلیارد دلار در سال‌های آینده، میزان سرمایه‌گذاری خود در بخش‌های حیاتی نیجریه را به طور قابل توجهی افزایش دهد. بسیاری از این بخش‌ها نیازمند تامین مالی به ارز محلی هستند و همکاری IFC با بانک مرکزی نیجریه ابزاری کلیدی در گسترش دسترسی به این منابع مالی محسوب می‌شود.

افزایش دسترسی به تامین مالی محلی با همکاری IFC و بانک مرکزی نیجریه

یمی کاردوسو، رئیس بانک مرکزی نیجریه، اظهار داشت: «این ابتکار پیشگامانه بین IFC و بانک مرکزی نیجریه، تامین

بازنگری در «منطقه بندی» راهکار اثر بخش در مدیریت بحران مسکن



در نتیجه، توسعه‌دهندگان ممکن است راه‌حل‌های نوآورانه‌ای مانند اجاره گاراژها یا فضاهای موجود برای تامین نیازها به جای ساخت تسهیلات پارکینگ جدید ارائه دهند. علاوه بر این، حذف الزامات پارکینگ خارج از سایت می‌تواند به کاهش مالکیت خودرو، کاهش استفاده از آن و کاهش تراکم ترافیک کمک کند، زیرا ساکنان در صورت عدم ارائه فضاهای پارکینگ به طور پیش‌فرض، کمتر احتمال دارد خودرو داشته باشند یا از آن استفاده کنند

تسویق اصلاحات منطقه‌بندی در سطح فدرال و ایالتی تسویق به اصلاحات منطقه‌بندی در هر دو سطح فدرال و ایالتی می‌تواند به رفع چالش‌های مربوط به دسترسی به مسکن و توسعه شهری عادلانه کمک کند.

فدرال

در سطح فدرال، کمک‌های مالی و مشوق‌ها می‌توانند نقشی اساسی در ترغیب مناطق به اصلاح مقررات منطقه‌بندی ایفا کنند.

برای دریافت کمک‌های فدرال، مناطق باید رویکردی جامع به اصلاحات منطقه‌بندی نشان دهند. با تعهد به اصلاحات جامع، این مناطق شانس خود را برای دریافت کمک‌های فدرال جهت حمایت از طرح‌های مسکن افزایش می‌دهند.

ایالتی

در میان موجی از بیش از ۲۰۰ لایحه مرتبط با مسکن که امسال در سطح ایالتی معرفی شده است، تلاش‌های قابل توجهی برای ایجاد تغییرات از طریق اصلاحات منطقه‌بندی انجام شده است. این لایحه به جنبه‌های مختلف سیاست‌های تامین مسکن پرداخته‌اند، از جمله قطع ارتباط به واحدهای الحاقی (ADUs) تا حداقل اندازه قطع ارتباط زمین و ساده‌سازی فرآیند صدور مجوز.

تأمین مالی در سطح ایالتی می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای پیشبرد اصلاحات منطقه‌بندی و حذف موانع برای توسعه با تراکم بیشتر به کار گرفته شود.

نگاهی به آینده: شهرهای بدون منطقه‌بندی

هیوستون نمونه‌ای برجسته از یک شهر بدون منطقه‌بندی است که نرخ ساخت‌وساز مسکن در آن ۱۴ برابر بیشتر از شهرهای مشابه مانند سن خوزه بوده است. به طور شگفت‌انگیزی هیوستون در سال ۲۰۱۹ تقریباً همان تعداد آپارتمان‌هایی را ساخت که شهر بزرگ لس‌آنجلس ساخته بود.

مینیاپولیس نشان داده است که توسعه محدود پس از حذف منطقه‌بندی تک‌خانوری، ممکن است به زمان نیاز داشته باشد و موفقیت این تغییر به رفع سایر محدودیت‌ها مانند حداقل اندازه قطعات زمین، فاصله‌های ساختمانی و نسبت مساحت کف به زمین (یا نسبت مساحت کفی به کل عرصه) بستگی دارد.

اجرای بسته‌ای از اصلاحات

ترکیب اصلاحات منطقه‌بندی شامل حذف منطقه‌بندی تک‌خانوری، کاهش محدودیت‌های ارتفاع ساختمان‌ها، حداقل فاصله‌های ساختمانی، حذف یا کاهش الزامات حداقل مساحت زمین و کاهش اندازه حداقل قطعات زمین، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. یکی از مزایای کلیدی این اصلاحات، توانایی آن در تسویق توسعه با تراکم متناسب است.

با کاهش حداقل اندازه قطعات و اجازه ساخت واحدهای کوچک‌تر در یک ساختار بزرگ‌تر، امکان ساخت ساختمان‌های کوچک‌تر و چندطبقه با حفظ حداقل رفاه خانوارها فراهم می‌شود. با این حال، اجرای این اصلاحات در مناطق روستایی ممکن است چالش‌هایی ایجاد کند، زیرا حداقل اندازه زمین در این مناطق ممکن است برای اهداف بهداشتی و ایمنی ضروری باشد و سطح رفاه مورد انتظار آنان بالاتر باشد. در این موارد، اصلاح این الزامات باید به گونه‌ای انجام شود که تعادل میان توسعه شهری و نیازهای خاص جوامع روستایی حفظ شود.

افزایش تراکم در نزدیکی سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی

با تسویق مردم به زندگی در شهرها و توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل عمومی، انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌تواند به شدت کاهش یابد. این تغییر می‌تواند به مقابله با اثرات زیست‌محیطی منفی استفاده گسترده از خودروها کمک کرده و در نهایت به آینده‌ای سبزتر و پایدارتر منجر شود. یکی از روش‌های مؤثر می‌تواند افزایش تعداد واحدهای مسکونی مجاز در نزدیکی مراکز حمل‌ونقل عمومی باشد که به ایجاد تراکم بالای مسکن در این مناطق با دسترسی مطلوب کمک می‌کند.

با این حال، اجرای چنین مقرراتی در حوزه‌های کوچک‌تر ممکن است به دلیل تفاوت در زیرساخت‌ها و منابع موجود چالش‌هایی ایجاد کند. بنابراین، نیاز به مدیریت دقیق برای اجرای موفق و عادلانه آن وجود دارد.

حذف الزامات پارکینگ

مقررات کنونی منطقه‌بندی اغلب به عرضه بیش از حد فضاهای پارکینگ منجر می‌شود که باعث هدررفت منابع و تسویق به وابستگی به خودرو، گسترش شهری و آلودگی می‌شود. با حذف حداقل‌های پارکینگ، توسعه می‌تواند بهتر با نیازهای بازار و دسترسی هماهنگ شده و به توسعه‌دهندگان اجازه دهد در مناطق با دسترسی بالا، پارکینگ کمتری ارائه دهند.

منطقه‌بندی که در ابتدا برای تنظیم کاربری زمین و تراکم ایجاد شده بود، اکنون به مانعی جدی برای جوامع در حال توسعه تبدیل شده است که در تلاش برای انطباق با شرایط فعلی هستند. قوانین محدودکننده کاربری زمین و منطقه‌بندی با افزایش قیمت مسکن، کاهش فعالیت‌های ساخت‌وساز و کاهش انعطاف‌پذیری عرضه مسکن مرتبط است.

به صورت تاریخی، جوامع مرفه از این قوانین برای افزایش ارزش املاک، کاهش بار مالیاتی و جلوگیری از ورود اقشار غیرسفیدپوست بهره‌بردارند. در نتیجه، تعداد مسکن موجود با تقاضا همخوانی ندارد. این اثرات، مشکلات مربوط به دسترسی به مسکن را حتی در شهرهایی که پیش‌تر مقرون‌به‌صرفه بودند، تشدید کرده است. در سال ۲۰۲۱، قیمت خانه‌ها با رشدی نگران‌کننده نزدیک به ۲۰ درصد و اجاره‌ها با افزایش شدید روبه‌رو شدند. قوانین محدودکننده منطقه‌بندی همچنان سهم قابل توجهی در بحران کنونی مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن دارند، به طوری که ۷۰ درصد مناطق مسکونی در شهرهای بزرگ، آپارتمان‌ها را محدود یا ممنوع کرده‌اند.

نگرانی‌های زیست‌محیطی و سلامت

محدودیت‌های منطقه‌بندی، به‌ویژه قوانین منطقه‌بندی تک‌خانوری، اثرات مخربی بر محیط زیست و سلامت عمومی داشته‌اند. این قوانین با ترویج گسترش افقی شهرها، استفاده بیشتر از خودروها را تسویق کرده و موجب افزایش آلودگی هوا و پیامدهای منفی بر سلامت شامل چاقی، دیابت، بیماری‌های قلبی-عروقی و مشکلات تنفسی می‌شوند. تحقیقات نشان داده است که مناطق تک‌خانوری نسبت به شهرها، گازهای گلخانه‌ای بیشتری به ازای هر فرد تولید کرده و بحران تغییرات اقلیمی را تشدید می‌کنند. در همین راستا اقدامات فوق می‌تواند چاره‌ساز باشد:

حذف منطقه‌بندی تک‌خانوری

تقریباً ۷۵ درصد از زمین‌های شهری در ایالات متحده تحت قوانین منطقه‌بندی قرار دارد که فقط اجازه ساخت مسکن تک‌خانوری را می‌دهد. حذف این نوع منطقه‌بندی می‌تواند توسعه مسکن مقرون‌به‌صرفه‌تر را در مناطقی که مدت‌ها برای خانواده‌های کم‌درآمد محدود بوده‌اند، تقویت کند. این تغییر به توسعه‌دهندگان امکان می‌دهد انواع مسکن ارزان‌تری نظیر خانه‌های شهری، دوبلکس‌ها یا آپارتمان‌ها را بسازند و تنوع موجودی مسکن را افزایش دهند.

در برخی مناطق، تغییرات در قوانین منطقه‌بندی بلافاصله باعث افزایش تولید مسکن جدید شده است. با این حال، برخی منتقدان معتقدند که این تغییر ممکن است توسعه‌دهندگان را به ساخت‌وساز بیش از حد ترغیب کند. همچنین حذف منطقه‌بندی تک‌خانوری به تنهایی برای کاهش هزینه‌های توسعه زمین کافی نیست، به‌ویژه با در نظر گرفتن الزامات اجباری پارکینگ. تجربه

این رشد چشمگیر به اصلاحات منطقه‌بندی انجام‌شده در سال ۱۹۹۸ نسبت داده می‌شود. آن اقدام امکان ساخت بیش از ۲۵ هزار خانه شهری را عمدتاً در مناطق شهری فراهم کرد. این اصلاحات باعث شد هیوستون به یکی از متنوع‌ترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین شهرهای ایالات متحده تبدیل شود. این مزایای بالقوه سیاست‌های مترقی منطقه‌بندی در ترویج توسعه شهری فراگیر و پایدار را نشان دهد.

بهترین رویکردها برای هر منطقه

ضروری است به تنوع گسترده‌ای که شرایط منحصر به فرد هر شهرداری را مشخص می‌کند، از جمله پیچیدگی‌های سیاسی و منابع در دسترس آن‌ها، توجه شود. بنابراین، مسیر اصلاحات منطقه‌بندی به شدت تحت تأثیر تعامل منابع، ظرفیت‌ها و عوامل محلی قرار می‌گیرد. این تنوع یادآور آن است که اصلاحات منطقه‌بندی رویکردی یکسان برای همه نیست، بلکه فرآیندی دقیق و وابسته به شرایط است که باید متناسب با نیازهای منحصر به فرد هر جامعه طراحی شود.

ایجاد تعاونی و مشارکت محلی نقش کلیدی در شکل‌دهی رویکردی فراگیر و مؤثر به اصلاحات منطقه‌بندی دارد. همکاری با اعضای جامعه در نزدیکی خود برای تدوین راهبردهایی که واقعاً نیازهای محلی را برآورده کند، ضروری است. علاوه بر این، بهره‌گیری از موفقیت‌ها و کاستی‌های تجربه‌شده در دیگر مناطق می‌تواند بینش‌های ارزشمندی ارائه دهد و اثربخشی اصلاحات را افزایش دهد. (منابع: ناهرو)

تحلیل آماری سینمای خارجی در قالب تلویزیون

کیان‌تصدیق‌مقدم، محمدحسین سلطانی



عده‌ای در سینما فقط به دنبال تفریح هستند

علیرضا رئیس‌یان، کارگردان سینما در گفت‌وگویی به تشریح وضعیت کنونی سینما پرداخت و عنوان کرد: عده‌ای صرفاً به دنبال تفریح هستند، تئاترها و فیلم‌های کمیک و رقص و آوازی را می‌پسندند و برای آن پول پرداخت می‌کنند، اما گروه عظیم دیگری نیز هستند که هم سرگرمی را می‌خواهند و هم برای هنر احترام قائلند. این گروه به کلی حذف شده، عاشقان سینما هم که دیگر تکلیفشان مشخص است.

با برنامه حساب شده دولت قبل، فقط گروه اول مانده‌اند و رکوردشکنی فیلم‌ها و کنسرت‌ها و تئاترها با بالا رفتن قیمت بلیت، در حالی که همین سینما حتماً می‌تواند به هر شکلی با مردم ارتباط برقرار کند و به نوعی سرگرمی‌ساز باشد اما در عین حال هیچ منافاتی ندارد که خود را به تفکر موصوف کند.

کسانی که نسبت به تغییر جریان، علم مخالفت بلند کرده‌اند همان‌هایی هستند که سمبل جریان فیلم کباب‌های قبل از انقلاب در پس از انقلاب بوده‌اند و همه چیز را قربانی تمایلات خود کردند و سود فراوانی هم بردند.

اگر دوستان در سیاست بر وفق ملی تاکید دارند، باید حتماً در عرصه فرهنگ و هنر هم این جریان به راه بیفتد. اگر اینجا چنین اتفاقی نیفتد در اقتصاد و مسائل اجتماعی و سیاست خارجی و داخلی هم حادث نخواهد شد چون بدون یک زیربنای فرهنگی قوی، طبیعتاً بخش‌های دیگر هم شکننده خواهند بود.

تورنتو، طاقت نام «احمد» را نداشت!



فیلم سینمایی «احمد» به نویسندگی امیرعباس ربیعی و رضا محبی نوری، کارگردانی امیرعباس ربیعی و تهیه‌کنندگی حبیب والی‌نژاد، که به بخش مسابقه پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مسلمانان Muslim International Film Festival راه یافته بود، در پی مخالفت و فشار نماینده پارلمان کانادا و کارشنکی رسانه‌های معاند از این جشنواره حذف شد.

کارگردان «احمد» درباره پیام اصلی فیلم گفت: «این فیلم نه درباره جنگ است، نه درباره سیاست؛ بلکه درباره انسانیت است. شخصیت احمد کاملی در این فیلم به‌عنوان الگویی از فداکاری و نوع‌دوستی به تصویر کشیده شده است. ما در این فیلم تلاش کردیم که ارزش‌های انسانی را فراتر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی نشان دهیم.»

فیلم سینمایی «احمد»، بخش‌هایی از عمل قهرمانانه و رشادت‌های شهید احمد کاظمی را در ۱۸ ساعت ابتدایی زلزله بم که بر اساس واقعیت است به تصویر می‌کشد.



که رسانه ملی در قامت یک پیشنهاددهنده جدی در زمینه نمایش فیلم‌های سینمایی عمل می‌کند. در آن دوران کسانی که فیلم‌ها را انتخاب می‌کردند برای هر انتخاب‌شان معیارهای تخصصی و فلسفی داشتند و تنها دلیل انتخاب‌شان قابل‌پخش بودن فیلم نبود. از آن روزهای مرجعیت معرفی آثار شاخص سینما توسط تلویزیون حدود ۲۰ سال می‌گذرد، اما با نگاهی به اسامی آثار پخش‌شده در تلویزیون، چه فیلم‌های ایرانی و چه خارجی نمی‌توان نگاهی تخصصی پیدا کرد و این شائبه را ایجاد می‌کند که عواملی مختلفی مثل قیمت خرید فیلم‌ها، ممیزی‌های بیش از اندازه و... روی انتخاب اثر تأثیرگذار باشد. البته موضوع بیان شده درباره همه آثار صدق نمی‌کند و درمیان آثاری که روی آنتن رسانه ملی می‌رود، برخی فیلم‌ها هم در میان مخاطبان مطرح و محبوبند.

■ تلویزیون و فیلم سینمایی؛ داستانی دوسر بود

حوالی دهه ۶۰ و در گیرودار، ممنوع بودن ویدئو؛ ناصر طهماسب و جمشید گرگین، در شب‌ها و عصرهای جمعه امید سینمادوستان بودند. مخاطب با ذوق و شوق منتظر آغاز برنامه طهماسب می‌شد. برنامه سینما تئاتر با پخش تکه‌هایی از تئاترها و سینمایی مطرح، نگاه‌ها را به سمت خود جذب می‌کرد. اقبال‌ها به برنامه طهماسب چنان زیاد بود که مدیران تلویزیون برنامه دیگری را با عنوان سینمای هنر هفته و سینمای کمدی را با جمشید گرگین روی پرده آوردند تا صحبت از سینما را بیش از پیش در بین مردم بازکنند. با این حال اصلی‌ترین برنامه دوستداران سینما در تلویزیون مربوط به این برنامه‌ها نمی‌شود. عصر جمعه‌های دهه ۶۰ مخاطبان می‌خکوب تلویزیون بودند تا فیلم‌های سینمایی از آمریکا، فرانسه و البته شوروی در تلویزیون پخش شود. چندسال بعدتر هندی‌ها هم وارد شدند. تلویزیون در آن سال‌ها با دو اولویت پای سینما را به تلویزیون باز کرد؛ اول اینکه این حوزه، سرگرمی خوبی برای آخر هفته‌های مردم بود. به همین دلیل فیلم‌های سینمایی شده بودند پای ثابت عصرهای جمعه در تلویزیون، از طرف دیگر تلویزیون با تولید برنامه‌هایی که بخش‌ها و قسمت‌های یک فیلم خارجی را پخش می‌کردند و به بررسی جزئیات آن فیلم می‌پرداختند، به دنبال جذب مخاطب سینمادوست بود.

با گذشت زمان، تلویزیون پای ثابت برنامه‌های آخر هفته خود را شناخت. فیلم‌های سینمایی که توانسته بودند بخشی از آنتن تلویزیون را پر کنند حالا با عدم اکران فیلم‌های خارجی در سینماها پایشان را در تلویزیون باز کرده بودند. رفته‌رفته با بیشتر شدن تعداد کانال‌های تلویزیون، آخر هفته‌های بیشتری در کنداکتور شبکه‌ها بی‌برنامه باقی ماندند. توپ در زمین صداوسیما بود و مخاطبان منتظر دیدن ترند تلویزیون در جذب مخاطب بودند. تلویزیون در ابتدا این ساعات را با براف و پس از مدتی با فیلم‌های سینمایی پر کرد. حالا وقت آن رسیده بود که تلویزیون به جای براف نشان دادن در ساعات خالی، سراغ آرشیو فیلم‌های دوبله‌شده در معاونت سینما برود.

پخش آثار خارجی که در زمانی تنها یک یا چندبار در هفته اتفاق می‌افتاد، حالا ترند شده بود برای صداوسیما تا در روزهای تعطیل و اعیاد با اسم جشنواره فیلم‌های سینمایی مخاطب را بتواند پای تلویزیون نگه دارد. این ترند تا همین امروز هم پای ثابت برنامه‌های شبکه‌های سه و پنج است.

سینما در تلویزیون به‌قدری توانست در دهه ۸۰ روی دور باشد که در نهایت سال ۹۰ سینما تصمیم گرفت شبکه نمایش را به چرخه اضافه کند و یک کانال تخصصی را برای پخش فیلم‌های سینمایی به مردم معرفی کند. تلویزیون در اینجا متوقف نشد و در سال ۹۱ شبکه تماشا را هم به چرخه پخش‌کنندگان آثار سینمایی اضافه کرد. به‌موازات این افزایش کانال‌ها کم‌کم داندلود غیرقانونی فیلم‌ها هم در بین مردم رواج پیدا کرد. مخاطبی که تا چندوقت قبل فیلم‌ها را از تلویزیون یا از ویدئو کلوب‌ها می‌توانست ببیند، حالا به ساده‌ترین شکل می‌توانست به فیلم‌های شرق تا غرب عالم دسترسی داشته باشد. رقبای صداوسیما در اینجا ختم نشد و پلتفرم‌های نمایش خانگی با انبوهی از فیلم سینمایی داخلی و خارجی وارد گردونه رقابت شدند.

■ سینما و سینمایی‌ها وارد چالش می‌شوند

حالا صداوسیمایی که زمانی به یک فیلم سینمایی در هفته قانع شده بود بیش از ۲۰ عنوان فیلم را تنها در یک هفته پخش می‌کند. در این بین سؤال این است که با تمام این اتفاقات، تلویزیون چرا هنوز فیلم سینمایی پخش می‌کند؟ با نگاهی به آمار مخاطبان فیلم‌های ایرانی و غیرایرانی پخش‌شده در تلویزیون می‌شود به این نتیجه رسید که پخش فیلم‌های سینمایی از هر جهت به نفع تلویزیون و مخاطبان است، اما چرا؟ تلویزیون با پخش آثار سینمایی در سال‌های اخیر هم توانسته کنداکتور را پر کند و هم توانسته با کمترین هزینه فیلم سینمایی را به مردم برساند. مزیت رقابتی که تلویزیون نسبت به نمایش خانگی و داندلود دارد پخش بدون هزینه آثار است. وقتی آثار بدون هزینه در تلویزیون پخش می‌شوند عملاً می‌تواند قشری را پای تلویزیون نشاناند که نیاز دارند آخر هفته‌هایشان را با یک اثر سینمایی پر کنند. با این تفصیلات تلویزیون توانسته هم مخاطب را جذب



کند و هم ترکیب برنامه‌هایش را برای مخاطب پیش‌ببرد. تمامی این مختصات که شرح داده شد یک پیش‌شرط دارد و آن اینکه مخاطب سینمایی‌ها را ببیند. لازم هم همراهی مخاطب با آثار تلویزیونی این است که سلیقه او در نظر گرفته شود. با بررسی آثار چندسال اخیر تلویزیون می‌شود فهمید که تلویزیون اصلی‌ترین سلیقه مخاطبان را آثار اکشن در نظر گرفته است. البته این موضوع نباید فراموش شود که یکی از مهم‌ترین دلایلی که صداوسیما، این حد به ژانر اکشن تأکید می‌کند، کمتر بودن ممیزی‌های این آثار است که سانسورهای اعمالی روی آن‌ها تغییری در روایت اصلی قصه ایجاد نمی‌کند.

■ تلویزیون به سراغ ناشناخته‌ها می‌رود

محدودیت‌های صداوسیما در سال‌های اخیر باعث شده که تلویزیون تعداد محدودی از آثار را بتواند نمایش دهد. تلویزیون برای برون‌رفت از این مشکل هم چاره‌ای اندیشیده و سراغ آثار کشورهای غیرهالیوودی و اصطلاحاً «کمتر ممیزی‌خور» می‌آورد. حضور بیش از ۴۰ اثر چینی در یک‌سال پخش بیش از ۱۴۰ فیلم هندی و البته حضور کشورهای آسیای شرقی و روسیه در جدول پخش یک‌سال اخیر تلویزیون این گزاره را تأیید می‌کند. البته اگر به میزان مخاطبان این فیلم‌های سینمایی در تلویزیون نگاهی بیندازیم، نشان می‌دهد مخاطب چندان هم به این رویکرد تلویزیون اقبال نشان نداده است. اما نکته‌ای که در بررسی یک‌سال اخیر آثار سینمایی هندی، نشان از آن دارد که تلویزیون علاقه عجیبی به تکرار آثار سینمایی پخش‌شده دارد. اگر محدودیت‌های پخش و البته محدودیت تلویزیون در ساخت آثار سینمایی را مدنظر قرار دهیم، طبیعتاً موضوع تکرار چندباره آثار سینمایی چندان هم غیرقابل‌پیش‌بینی نیست. البته باید آن طرف ماجرا هم دید، پخش آثار کشورهای دیگر اگر بر مبنای یک ساختار و نظام باشد، می‌تواند میان صداوسیما و شرکت‌های پخش خارجی ارتباطاتی را ایجاد کند. این موضوع اگر در قالب‌هایی همچون هفته آثار سینمایی یا مجموعه‌های نمایشی در تلویزیون دو کشور منتخ شود می‌تواند اتفاق ثمربخشی باشد. با این حال شکل کنونی پخش برای آثار کشورهای کمتر شناخته‌شده در سینما به نظر وضعیت مطلوبی ندارد و حتی نگاه مخاطبان داخلی را هم جلب نمی‌کند. با این حال تاکتیک‌های تلویزیون برای ساماندهی وضعیت آثار سینمایی در تلویزیون کماکان ادامه دارد. تلویزیون در ماه‌های اخیر با تعریف دوباره وظایف آثار تلویزیونی و سینمایی و خارج کردن کامل مجموعه‌های تلویزیونی از شبکه نمایش و تخصصی‌تر کردن این شبکه رفته و شبکه تماشا را تماماً برای مجموعه‌های تلویزیونی خارجی قرار داده است. تخصصی‌تر شدن پخش آثار سینمایی در شبکه نمایش و پخش زمان‌بندی‌شده آثار از جهتی می‌تواند خوب مثبت باشد برای کسانی که مخاطبان جدی سینمایند، اما نکته این است که مخاطب تخصصی سینما اصلاً تلویزیون را - به‌دلیل محدودیت‌ها و نوع پخش در تلویزیون - به‌عنوان مرجعی برای دیدن آثار انتخاب نمی‌کند و به‌نظر نمی‌رسد چنین تغییری هم بتواند اقبال مخاطبان را به آثار زیاد کند.

در نهایت می‌توان گفت صداوسیما به چند دلیل عمده تصمیم می‌گیرد تا فیلم سینمایی پخش کند؛ مسئله اول جذب مخاطب است. فیلم‌های سینمایی می‌توانند طیف گسترده‌ای از مخاطبان را به خود جذب کنند و باعث افزایش بینندگان شبکه‌های مختلف شوند، مسئله‌ای که در سال‌های اخیر با چالش فراوانی مواجه شده و تغییرات اعمالی تلویزیون برای گسترده‌تر کردن و متنوع کردن ملیت فیلم‌ها هم چندان کمکی به افزایش مخاطبان نکند. موضوع دوم ایجاد تنوع در برنامه‌های صداوسیما است که این مسئله از ابتدای تأسیس شبکه‌هایی چون نمایش مطرح بود. موضوع سوم به درآمدزایی مربوط می‌شود. پخش فیلم‌های سینمایی می‌تواند به‌عنوان یک منبع درآمد عمل کند. این درآمد می‌تواند از طریق تبلیغات بین فیلم‌ها یا حامیان مالی حاصل شود. تلویزیون به‌طور میانگین میان هر اثر و قبل و بعد از آن تبلیغاتی را پخش می‌کند که این یعنی سه تبلیغ برای هر اثر. با این حال به‌نظر می‌رسد سینمایی‌ها نمی‌توانند آنچنان که در سال‌های گذشته مورد اقبال بودند، نگاه‌ها را به خود جذب کنند. شکی نیست که کاهش جهانی اقبال‌ها به تلویزیون، پایش به صداوسیما هم رسیده اما چالش‌های تلویزیون در پخش آثار سینمایی به‌نظر می‌رسد نیاز به سروسامانی مفصل دارد.

مخالفت با قانون یا مخالفت با اسلام سیاسی؟



نده. یعنی اصولاً شریعت را در اداره جامعه دخالت ندهد! و مبنای حقوق قرار ندهد. واضح است که دعوا سر اختصاصات فرهنگ و شریعت اسلامی در مواجهه با تمدن غرب است.

پس مسأله این نیست که این قانون موجب فلان فساد و رشوه و ... می‌شود بلکه مسأله این است که ما می‌خواهیم از حجاب در قامت قانون و الزام قانونی حمایت کنیم یا نه؟ و این دوگانه همان دوگانه اسلام سیاسی و اسلام غیر سیاسی است!

می‌گویند چرا که وقتی مشغول مسأله مهم‌تری مثل مسائل منطقه‌ای هستیم باید روی این امر تشدید کننده غسل‌های اجتماعی که یک امر فرعی

شرعی است بایستیم و این یا نفوذ است یا تحجراً!

موافقم که مسأله نفوذ است. اما نفوذ فکری فرهنگی در جماعتی از نخبگان انقلابی ما که روزگاری دغدغه اقتصاد اسلامی داشتند و امروز فکر نئولیبرال. نئولیبرالیسم آشکار همین است. (آنها که مرا می‌شناسند می‌دانند که چقدر با این برچسب نئولیبرالیسم و استفاده سیاسی و جاهلانه برخی با آن مخالفم اما وقتی برخی اصرار دارند منطق بازاری را با تمام لوازم آن در مسائل مختلف جریان دهند واقعیت همین است.)

و البته این‌ها توجه ندارند که مسأله از تهران تا بیت المقدس یک چیز یعنی حذف اسلام سیاسی است. آنها که در ایران با اصل قانون حجاب مخالف می‌کنند. بازوان فرهنگی نسل کشی اسرائیل در فلسطین و جنایات او در لبنان هستند. هر دو یک هدف دارند و آن حذف اسلام سیاسی از ژئوپلتیک منطقه و جهان است.

آن فرد آشکارنویس می‌گوید چرا از دوربین استفاده غیر امنیتی می‌کنید! گویا همه کار کرد دوربین امنیتی است و کمش می‌آید خدمت دیگر دهدا البته وقتی امنیت فرهنگی را متوجه نباشیم، طبعاً در این شرایط مسأله این است که حجاب چه ارزشی دارد؟! اگر قتل و دزدی و اینها بود اشکالی ندارد. حجاب که مهم نیست. اساساً انقلاب اسلامی برای جریان یافتن اسلام و شریعت اسلامی در اداره کشور انجام شد اگر قرار است امر به معروف و نهی از منکر در ساحت‌های مختلف از جمله ساحت مهم حیاء جنسی که امروز یکی از رؤس مقابله تمدن غرب با ماست کنار گذاشته شود اساساً چرا ما باشیم؟! ما برای این هستیم که مظهر این آیه شریفه باشیم: «الَّذِينَ إِذْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ ... أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج ۴۱). اگر این نمی‌خواهد باشد چرا ما باشیم و چرا حکومت اسلامی باشد خوب دیگران باشند!

آن خواهر انقلابی‌مان فرموده که چرا برای کشف حجاب و عربانی جریمه قرار می‌دهیم این یعنی فلان و بهممان! که البته غلط است. اما یک پرسش داریم. اگر تذریر متداول اسلامی نباشد و اگر حبس و جریمه مالی هم نباشد اصولاً چه چیزی می‌ماند برای جنبه بازدارندگی قانون؟ اگر با قانون بودن حجاب مسأله داریم خوب صریح همین را بگوییم! چرا آن را در لوای کلمات زیبا یا مقدس پنهان می‌کنیم.

از همه ناراحت کننده‌تر بازی کردن جریان انقلابی در این بازی سیاسی جریان غربگرا است. امروز یک جریان عمیقاً غیر انقلابی با ایده جمهوری مسلمانان نه جمهوری اسلامی و با دغدغه توسعه مادی کشور ولو در سازش با نظام سلطه و استکبار جهانی و تمدن غرب در بخش‌های مختلف نظام نفوذ کرده و نفوذ واقعی

آنچه که امروز در فضای سیاسی کشور می‌بینیم صف کشی آشکار جریان غربگرا در برابر اسلام سیاسی است.

آنها که دیروز خود را در پوشش مخالفت با گشت ارشاد پنهان می‌کردند امروز با اصل قانون حجاب مخالفت می‌کنند. اگر کشف حجاب یک امر سیاسی و حرام سیاسی است؛ امروز مخالفان اصل قانون حجاب مخالفان اسلام سیاسی هستند.

چرا می‌گوییم اصل قانون؟ چون وقتی ایرادها و مخالفت‌ها با یک لایحه ۷۴ ماده‌ای را می‌بینیم. معلوم می‌شود دغدغه اصلاحگری وجود ندارد بلکه دغدغه پروپاگاندا برای توقف اصل قانون دارد و الا که می‌گفتند اصلاح می‌کنیم.

مسأله این است یک قانون با همه رفت و برگشت‌ها حاوی برخی مجازات قانونی در مورد حجاب و عفاف تهیه شده و این قانون باید متوقف شود.

باید در مقابل موج هنجارشکنی ایستاد و الا سرنوشت کشور در این امر به قهقرا می‌رود. آنها که مرتب بر تشدید نکردن غسل‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. باید بدانند که این هنجار شکنی است که غسل اجتماعی را افزایش می‌دهد نه مقابله با آن!!

حداقل انتظار از علوم اجتماعی خواننده‌های تهران این است که بفهمند قوی‌ترین جریانی که امروز می‌تواند هژمونی سیاسی در ایران را تشکیل دهد جریان اسلام سیاسی است. همان جریانی که بعد از ۱۰۰ سال منازعه روشنفکری و اسلام خواهی انقلاب اسلامی را به ثمر رساند. اگر این هژمونی و بنیاد آن که اسلام خواهی در اداره کشور است تضعیف شود غسل اجتماعی که هیچ! فروپاشی اجتماعی خواهیم داشت. سوریه سازی و لبنان سازی در انتظار است.

اگر موج هنجارشکنی متوقف می‌شد شاید شاید می‌شد با این حرف‌ها همراهی کرد که مثلاً این قانون فعلاً اجرا نشود. اما تا زمانی که هنجارشکنی در کف خیابان و در فجایز ادامه دارد ضرورت این قانون دوچندان است!

آن اقتصاد خوانده شریف و جریان اصلی جهانی می‌گوید این قانون منشأ رشوه، فساد و سوء استفاده از مقدسات برای زمین زدن رقبای تجاری خواهد بود! بگذارید این حرف را موشکافی کنیم:

از نظر منطق بازاری هر امر غیر بازاری که موجب مداخله در بازار شود محکوم است. البته بعید می‌دانم نویسنده مثلاً منکر این باشد که نژادپرستی نتواند در صلاحیت‌ها و مجوزات یک واحد تجاری مؤثر باشد بالاخره هر واحد حقوقی برای تأسیس و فعالیت می‌باید تابع قواعد حقوقی آن کشور باشد. پس باطن حرف چیست؟ آقاجان امور فرهنگی دینی که مقدس‌اند را در قواعد بازار دخالت



آزادی و حجاب

علی‌مهدیان

مخالفین قانون حجاب به چهار دلیل موافق دیکتاتوری‌اند، آنهم بدترین شکل دیکتاتوری. چه بدانند چه ندانند. خیلی خلاصه، آن چهار دلیل چیست؟

دلیل اول دین و شریعت قانونی است برای اینکه انسانها اولاً به آزادی مطلق برسند و ثانیاً آزادی سیاسی اجتماعی شان نیز بهینه شود تا بستری برای رشد آنها فراهم شود، حجاب یک قانون مورد اتفاق فقها در شریعت است. امر پوشش و حجاب نیز امر اجتماعی است که حاکم اسلامی موظف است آن را پیاده کند، اگر پذیرفتید شریعت مساوق آزادی است، چه آزادی بهینه سیاسی اجتماعی چه ایجاد بستر حرکت برای رسیدن به آزادی مطلق معنوی، آنکه مقابل اجرای شریعت می‌ایستد مقابل آزادی می‌ایستد. مخالفین قانون حجاب، مدافع اجبار و دیکتاتوری‌اند چه بفهمند چه نفهمند. چون مدافع آزادی، مدافع آزادی برای همه است نه یک عده، و الا فرعون هم آزادی خواه بود. دقت کنید بحث درباره اجبار یک فرد برای رشد و تربیتش نیست، تربیت که اجباری نیست. بحث در جلوگیری از کسانی است که مانع آزادی دیگرانند، کسانی که با شکستن شریعت در جامعه بستر آزادی و رشد را خراب می‌کنند.

دلیل دوم اینکه قانون حجاب در جامعه ما بر اساس روال قانونی تصویب شده، توسط مسوولان و وکلایی که طبق قانون و با خواست مردم انتخاب شده‌اند، حتی آنکه رای نداده خودش آزادانه پذیرفته دیگران برایش تصمیم بگیرند. تقابل با قانون حجاب تقابل با راهکارهایی است که بر بستر رای و انتخاب مردم شکل گرفته.

دلیل سوم شکستن حرمت قانون، شکستن حرمت تصمیم‌گیری در بستر آزادی است. تقابل با قانون حجاب، تقابل با اساسا تصمیم‌گیری در کشور است، و گرفتن توان تصمیم‌گیری از حاکمان ضررش از تصمیم غلط هم بیشتر است. این دیکتاتوری و اجباری است که آثارشیم را به بار می‌آورد. در بستر ضعف تصمیم‌گیری و حاکمیت، هرج و مرج شکل می‌گیرد که در آن هم آزادی افراد نفله می‌شود هم اساساً هیچ حرکتی محقق نمی‌شود، این هم یعنی ضرر همگانی به سبب اینکه عده‌ای می‌خواهند خارج از روال‌های قانونی نظرشان را اعمال کنند. این هم که خود دیکتاتوری است.

دلیل چهارم اینکه بالای هشتاد درصد مردم طبق آمارهای موجود، اصل حجاب را به عنوان یک هنجار دینی و فرهنگی می‌پذیرند، معتقدند همین حجابی که دارند بر اساس همان دستور دینی انجام می‌شود، این را بعد از این رها کردن حجاب توسط مجریان در این چند سال به صورت چشمی هم می‌شود دید، این یعنی هم اعتقاد به دینی بودن دستور حجاب دارند و هم بر اساس زندگی می‌کنند ولو به طور کامل رعایتش نکنند، حالا آنکه هنجار پذیرفته شده و هنجار اعتقادی مردم یک جامعه را می‌شکند، او با آزادی فردی خود به کل آن جامعه ضرر میزند، ضرر زدن به دیگران به نام آزادی، اساس دیکتاتوری است.

باور کنید جریانی در کشور معتقد به دیکتاتوری است، آن هم بدترین شکل دیکتاتوری یعنی دیکتاتوری غرب، غرب کودک کش، غرب مستکبر، آن هم بدترین شکل اعتقاد، با پنهان کاری پشت نام مقدس آزادی. این جریان به اندازه تحریر الشام در سوریه خطرناک است، چون همان کار را با فرهنگ و هویت مستقل ما می‌کند، پرچی که ملت سالها است اجازه ندادند دشمن در داخل خاکشان بزند اینها تلاش می‌کنند در داخل خاک ایران کوبیده شود، سبک زندگی اجباری و زوری غربی. اینها چه آخوند باشند، چه ریشو باشند، چه کراواتی و هفت تیغه، چه چادری باشند چه سر لخت، یا جاهلند که خدا هدایتشان کند و به ما توان دهد دلایلمان را به گوش آنها برسانیم یا خائندند که باز خدا هدایتشان کند و به ما توان دهد از این مسیر منحرفشان کنیم.

و حقیقی و بنیادی همین است. چرا انقلابی‌ها درک نمی‌کنند که آنچه در فضای رسانه ای در حال اتفاق افتادن است یک کمپین سیاسی علیه اسلام سیاسی است؟! این قانون بعد از مدت‌ها بحث و بررسی و رفت و برگشت در نهاد قانونگذاری تصویب شده بررسی شده بله قانون را می‌شود اصلاح کرد و نقاط آن را و جهت‌گیری‌های آن را تیزتر و دقیق‌تر کرد اما نحوه مخالفت سردمداران و جریان های سیاسی با قانون حجاب در واقع مخالفت با اصل حجاب قانونی است! مسأله اصلاحات جزئی نیست! بلکه حذف کامل این نماد آشکار اسلام سیاسی در جمهوری اسلامی و بعد از آن هموار سازی جذف حیاء جنسی در جامعه ایران است.

فلذا ما نباید فریب برخی مخالفت‌ها و اشکالگیری‌های ظاهری را بخوریم این یک کمپین نه علیه حجاب بلکه علیه اسلام سیاسی است و آن رفقای انقلابی که می‌گردند یک گوشه‌ای از این لایحه را پیدا می‌کنند و در مخالفت با قانون توییت و پست در فجازی می‌زنند در این کمپین جاهلانه در خدمت شبکه آمریکایی-اسرائیلی مشارکت می‌کنند.

وقتی در فضای مجازی و فضای سیاسی افکار عمومی مطرح می‌شود یعنی مخالفت با اصل قانون حجاب. طبعاً مسأله من آن ظاهراً عدالتخواه با گرایشات لیبرال که خاصیت عمده چپ‌ها است نیست که می‌گردد و نکته‌ای پیدا می‌کند و عالمانه و عامدانه با کمپین سیاسی عده‌ای همراهی می‌کند. مسأله من این است که افراد انقلابی‌مان چرا اسیر تبصره‌های جزئی می‌شوند و همنوا با جماعت؟! یا سیاستی‌های ما چرا سیاست نمی‌فهمند؟! اگر به عنوان یک فرد انقلابی نمی‌توانیم امتداد سیاسی امور را درک کنیم چرا وارد میدان تبیین یا هرگونه اظهارنظر آشکار در فجازی می‌شویم؟! امروز باید بدانیم تک تک مواضع ما می‌تواند در خدمت انقلاب اسلامی یا در خدمت جبهه استکباری و نظام سلطه باشد. بدون آگاهی و بصیرت سیاسی تبیین یا هرگونه اظهار فضل در فضای مجازی منجر به خیانت بیشتر به انقلاب اسلامی است.

این صف کشی مخالفان اسلام سیاسی با اسم رمز توقف قانون حجاب جدید نیست. روزگاری گشت ارشاد را بهانه می‌کردند وقتی قانونی تصویب شد که تدبیر جدیدی بود با بهانه‌های واهی و مسخره کمپین راه می‌اندازند؛ که اگر حقیقتاً دغدغه اصلاحگری داشتند می‌توانستند دست روی نکات مهمتری بگذارند. با وقاحت به مرجعیت نامه می‌نویسند برای حضور در این کمپین سیاسی!!! برای فشار به اصلی‌ترین حامی تصویب قانون حجاب یعنی شخص رهبری! و همه می‌دانیم که قالیباف هر مشکلی داشته باشد یک پاسدار ولایی اصیل است وقتی در این همه فشار سیاسی صراحتاً از این قانون دفاع می‌کند یعنی این خواست رهبری هم است.

اصلاح طلبان و غربگرایانی که هفته‌های پیش برای انقلابی‌ها درس خارج ولایت فقیه برگزار می‌کردند و انقلابیون را به تمکین نسبت به سخنان جلسات خصوصی حضرت آقا می‌کشاندند و البته با تحریف سخنان! امروز نسبت به تصریحات علنی در اینکه حجاب باید امر قانونی باشد کردند! نؤمن ببعض و نکفر ببعض! اما آخرالامر اینکه در این هجمه همه جانبه نهاد تبیین کجا است؟! هی از مقاومت سخن گفتن بدون عمل چه دردی را دوا می‌کند. مصداق امروز مقاومت برای ما مقاومت در برابر هجمه آشکار دشمن به اسلام سیاسی با همه ابعاد آن است. باید میدان به میدان خطوط دفاعی جریان مقاومت فرهنگی انقلاب را در برابر جبهه استکباری و پادوهای داخلی آنها بنا کرد و إلا ما در این مبارزه اصیل که از تهران تا بیت المقدس در صدد معماری هویت نوین جمهوری اسلامی است بازنده‌ایم.

به تدریج اثرات آلوده‌ای بر جا گذاشته و منجر به انحراف تمدنی بوده است.

این نماینده مجلس با بیان این که زنان از جایگاه اصلی خود دور و به ابزاری برای لذت جویی تبدیل شده‌اند، ادامه داد: وضع کشورهای غربی نا مناسب است و تهاجم ترکیبی و وحشیانه دشمن فرهنگ جوامع را منحرف کرده است.

خزایی اضافه کرد: این مسئله در کشور ما نیز اوضاع نا به سامانی ایجاد کرده و دشمن به نفع خود و به ضرر ملت‌ها کار کرده است. وی ادامه داد: غربی‌ها حق ندارند در پروسه جهانی سازی، مردم دیگر کشورها را به خود شبیه کنند. این‌ها ابتدا مردم خود را نابود و با تهاجم ترکیبی، مردم دیگر را نیز به خود نزدیک کرده و از آن نتیجه فرهنگی و اقتصادی و سیاسی دریافت کرده‌اند.

حجاب به مقوله تفکر و اندیشه بازمی‌گردد

می‌گردد و در وهله بعد، به فضاهای دیگر تعلق دارد، گفت: حفظ حجاب و پوشش ظاهری برای مرد و زن در طول تاریخ وجود داشته و میان حجاب و عفاف، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

هرچه حجاب در جامعه‌ای پر رنگ تر بوده، عفت بیشتری در آن جامعه شکل گرفته و این موضوع مهم فرهنگی یعنی حفظ حجاب و زندگی عفیفانه، در ذات بشر قرار داده شده و ادیان الهی نیز بدان پرداخته و تاکید دارند؛ ولی امروز به صورت بی رحمانه مورد تهاجم وحشیانه و ترکیبی دشمن قرار گرفته است.

خزایی با بیان این که دشمنان بشریت، این وحشی‌گری را از اروپا آغاز کرده‌اند، به فیلم‌ها و تصاویر مردم غرب اشاره کرد که ظرف ۱۰۰ سال پیش پوشش عفیفانه را به نمایش می‌گذارند. اما یک باند مدیریت شده، مردم جهان را از پوشش دور کرده و

علی‌خزایی

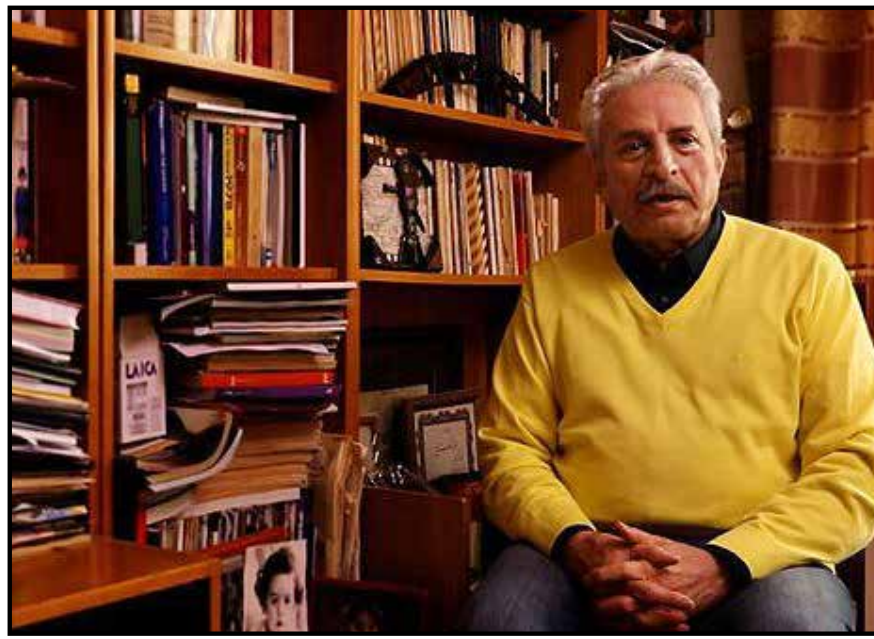
علی خزایی در مصاحبه با برنامه رویداد رادیو گفت و گو؛ درباره رابطه مشترک میان حجاب و عفاف اظهار کرد: امور فرهنگی نسبت به سیاست و موضوعات دیگر، دارای اصالت هستند. وی با اعتقاد بر این که حجاب و عفاف به مقوله تفکر و اندیشه باز



صاحب امتیاز و مدیرمسئول | محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | طه اهووی | گرافیکست و صفحه آرا | سارا کولیوند
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن | ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸ - ۰۹۹۳۳۱۴۱۳۴ | آگهی‌ها | ۰۲۱۸۱۵۵۲۵۱۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



مخالفت با قانون یا مخالفت با اسلام سیاسی؟

امروز یک جریان عمیقاً غیر انقلابی با ایده جمهوری مسلمانان نه جمهوری اسلامی و با دغدغه توسعه مادی کشور و لو در سازش یا نظام سلطه و استکبار جهانی و تمدن غرب در بخش‌های مختلف نظام نفوذ کرده و نفوذ واقعی و حقیقی و بنیادی همین است

تحلیل آماری سینمای خارجی در قاب تلویزیون

اقبال‌ها به برنامه طهماسب چنان زیاد بود که مدیران تلویزیون برنامه دیگری را با عنوان سینمای هنر هفته و سینمای کمندی را با جمشید گرگین روی پرده آوردند تا صحبت از سینما را بیش از پیش در بین مردم بازکنند.

سفره دلت را نزد دشمنان باز نکن ...
چون در فکر ضربه زدن اند!
(سوره آل عمران آیه ۱۸۸)

Pishkhan.com



مری نیستم که شکایت کنم

خوان کارلوس گاریدو

این باور بودند که پنالتی گل نخواهد شد. بعد از آن حمله کردیم و گل زدیم. نتیجه این بود که تا لحظه آخر جنگیدیم و خوشحالییم.

من مری نیستم که شکایت بکنم و بهانه بیاورم. به عنوان سرمربی پرسپولیس که یک تیم بزرگ در آسیاست باید بگویم این زیبا نیست که بازی‌های این تیم در خارج از ایران و با حضور ۱۰۰ نفر برگزار شود. این تیم باید در آزادی بازی کند و ۵۰ هزار نفر از آن حمایت کنند. من ۶ ماه است در ایران کار می‌کنم ولی هنوز در آزادی بازی نداشتیم. این جریان باید متوقف شود. این امتیاز بزرگی است که ما از آن محروم هستیم.

از وقتی سروش وارد بازی شد و به عنوان یک کاپیتان تیم را به خوبی رهبری کرد و عیسی آل کثیر نیز به خوبی اثرگذار بود. گندوز هم در صحنه پنالتی باور داشت توپ را خواهد گرفت و به سمت آن نیز رفت. کنعان‌زادگان نیز به‌رغم اشتباهی که داشت خوب بازی کرد و این اتفاقات در فوتبال رخ می‌دهد و طبیعی است. از دیگر بازیکنان نیز که سعی کردند در این بازی تأثیرگذار باشند تشکر می‌کنم.

ارنوف امروز سطح خودش را نشان داد و تلاش می‌کند و بهتر شود. او در لحظه‌های طلایی گل را زد. ما در این بازی تقریباً بازنده بودیم و خیلی سخت بود کامبک بزنیم و من باید به بازیکنان بابت این روحیه و جنگندگی تبریک بگویم.



زشت است که پرسپولیس در آزادی بازی نمی‌کند. خوشحالم که بازی را بردیم و ناراحتیم که در بازی‌های قبلی به برتری نرسیدیم. در بازی‌های قبل استحقاقش را داشتیم و بدشانس بودیم. این پیروزی نتیجه تلاش و آنالیز ما بود. بازی اتفاقات زیادی داشت. ما تا لحظه آخر جنگیدیم و برد این بازی برای ما بی‌نهایت مهم بود و پیروزی در این بازی مهمترین چیز بود. وقتی پنالتی شد، گندوز و بازیکنان ما بر

بیکر آرا بهترین داور شمشیربازی قاره آسیا شد



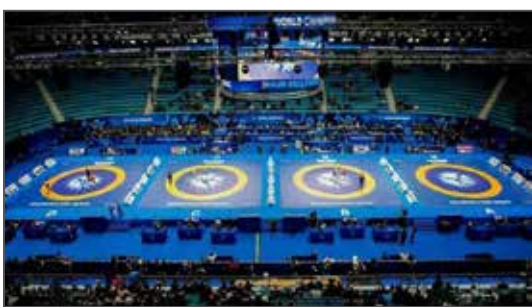
داور مطرح و بین‌المللی شمشیربازی کشورمان به‌عنوان بهترین داور قاره کهن برای فاصله زمانی سال‌های ۲۰۲۲ الی ۲۰۲۴ انتخاب شد.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون شمشیربازی، رضا بیکر آرا داور بین‌المللی و نام‌آشنای کشورمان، شمشیربازی ایران را صاحب افتخاری بزرگ کرد.

بر این اساس، وی به‌عنوان بهترین داور قاره کهن در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ میلادی انتخاب و لوح تقدیر خود را دریافت کرد.

این موفقیت در حالی به دست آمد که شمشیربازی ایران طی روزهای اخیر صاحب هشت کرسی جهانی و آسیایی شده بود.

درخواست رسمی ایران برای میزبانی از جام جهانی کشتی آزاد و فرنگی



فدراسیون کشتی درخواست رسمی خود را برای میزبانی از ۲ رویداد جام جهانی کشتی آزاد و فرنگی به اتحادیه جهانی کشتی ارسال کرد.

طبق تقویم اتحادیه جهانی کشتی، جام جهانی کشتی فرنگی در روزهای ۲۲ و ۲۳ نوامبر (۲ و ۳ آذر ۱۴۰۴) برگزار می‌شود و جام جهانی کشتی آزاد نیز در سال ۲۰۲۵ نیز در روزهای ۶ و ۷ دسامبر (۱۶ و ۱۷ آذر ۱۴۰۴) برگزار خواهد شد.

طرحی که کاش فقط حرف نباشد

دنیاچیدری



بین‌المللی نقش آفرینی دارد. اما فعالیت ایران در این راستا تنها به همکاری با WADA خلاصه نمی‌شود و با توجه به اینکه نداشتن ورزشکار دوپینگی در رشته‌های مختلف یکی از اهدافی است که عمده مسئولان ورزش ایران دنبال می‌کنند، به همین منظور بسیاری از فدراسیون‌ها از جمله کشتی طی سال‌های اخیر بارها و بارها در فواصل مختلف اقدام به گرفتن تست‌های دوپینگ از ورزشکاران خود می‌کردند تا احتمال مثبت شدن تست دوپینگ ملی‌پوشان ایران در رقابت‌های مختلف را تا حد ممکن کاهش دهند و به صفر برسانند. طرحی که اتفاقاً دستاورد مثبتی را در پی داشت. با وجود این مثبت شدن تست برخی ورزشکاران در رشته‌های مختلف سرانجام وزیر ورزش را بر آن داشت تا گامی در راستای مبارزه هرچه جدی‌تر با این مقوله شوم در ورزش بردارد، چراکه مثبت شدن تست دوپینگ ورزشکاران آبروی ورزش کشور را خدشه‌دار می‌کند، حتی اگر این اتفاق بر اثر ناآگاهی افراد رخ داده باشد و عمدی نباشد.

بی‌تردید برنامه‌های مبارزه با دوپینگ در دنیا به جهت حفظ عدالت در ورزش و همچنین ارزش‌های انسانی و تقویت روحیه پهلوانی ورزشکاران است که تدوین شده است. با وجود این هنوز هم هستند افرادی که به دلایلی، چون ناآگاهی، تفکراتی که با روح ورزش در تضاد است یا فریب خوردن تست‌هایشان مثبت می‌شود. به همین دلیل هم هست که برای مبارزه با این پدیده شوم، قوانین سخت و سستی در دنیا وضع شده است. قوانینی که حالا وزارت ورزش ایران نیز قصد دارد با الگو قرار دادن آنها شرایطی را فراهم کند که دوپینگ به عنوان یک جرم در ورزش معنا شود تا ورزشکاران دقت و آگاهی خود را در این زمینه بالا ببرند و در مسیر ریشه‌کن شدن این ناهنجاری در ورزش کشور گام بردارند. تصمیمی که در صورت عملی شدن

وزیر ورزش روز گذشته و در پنجمین نشست تخصصی با فدراسیون‌ها مسئله‌ای را مطرح کرد که‌ای کاش تنها در حد حرف باقی نماند و خیلی زود جامه عمل بدان پوشیده شود تا خیال ایران بابت یکی از مشکلات بزرگی که سال‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کند تا حد زیادی راحت شود. براساس گفته‌های دنیامالی، وزارت ورزش به دنبال وضع قانونی سختگیرانه برای پیشگیری از دوپینگ است و در همین راستا و با توجه به اهمیت ورزش پاک سعی دارد تا دوپینگ را به یک جرم در ایران تبدیل کند.

طرحی که بی‌شک در صورت عملی شدن می‌تواند گام بلندی در راستای مبارزه با دوپینگ در ایران باشد. در واقع هدف وزیر ورزش در مبارزه با دوپینگ این است که بتواند بازدارنده باشد و شرایطی را فراهم کند که ورزشکاران نه تنها به سمت دوپینگ نروند که در استفاده از داروها و مکمل‌ها نیز دقت بیشتری داشته باشند تا با مشکلی مواجه نشوند، چراکه در بسیاری از موارد دوپینگ ورزشکاران به دلیل عدم آگاهی آنها نسبت به مکمل‌ها و داروهاست که مثبت می‌شود.

دوپینگ بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ناهنجاری‌های ورزش در دنیاست که با توجه به مغایرت آن با روح ورزش و ارزش‌های اخلاقی تلاش زیادی در سطح بین‌المللی برای مبارزه با آن می‌شود و تأسیس آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ نیز سال‌ها قبل در راستای همین تلاش‌ها بود. این آژانس که با هدف ترویج و هماهنگی بین‌المللی در امر مبارزه با دوپینگ تأسیس شده بود، پیش‌نویس مجموعه قوانین آن سال ۲۰۰۰ در دفتر منطقه‌ای اروپا در لوزان تدوین و ارائه شد و ایران نیز از سال ۱۳۸۱ به عنوان یکی از چهار کشور آسیایی عضو هیئت مؤسسان WADA در تأسیس این نهاد

نه تنها مانع از رفتن ورزشکاران به سمت این مقوله شوم می‌شود که می‌تواند احتمال مثبت شدن دوپینگ ورزشکاران ایران در رقابت‌های بین‌المللی را به صفر برساند. البته به شرط آنکه در راستای طرح پیشنهادی وزیر، اقداماتی برای اخذ تست‌های مختلف از ورزشکاران ایران قبل از اعزام به مسابقات بین‌المللی هم انجام شود تا ابراد کار قبل از به میان آمدن پای WADA همین‌جا و در ایران گرفته شود تا آبروی ورزش کشور به واسطه ندانم‌کاری عده‌ای که تعدادشان بسیار اندک است خدشه‌دار نشود.